



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۱۹۸

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com) چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۳ آوریل ۲۰۱۱ - ۲۴ فروردین ۱۳۹۰

اطلاعیه حزب بمناسبت اول ماه مه،

## نه به سرمایه داری! یک دنیای بهتر ممکن است!



### آیا حجاب باید ممنوع شود؟

تحلیلی از حجاب و جایگاه آن

صفحه ۴

آذر ماجدی

### اول ماه مه

## ویژگیهای جهان معاصر، سیاست ما

گفتگو با هیات دائر حزب

## اعتراضات و اعتصابات کارگران عسلویه



### گفتگو با مریم کوشا

### دبیر کمیته خارج کشور حزب

صفحه ۱۱



### "منشور سرنگونی"

### تلاشی برای اتحاد چپ و راست!

صفحه ۱۳

علی جوادی

در صفحات دیگر، زنگها برای که بصدار درمیان- احمد بابائی، اول مه روز ما- فخری جواهری، گفتگوی کامران پایدار با یکی از کارگران قلعه حسن خان، در آستانه- کوروش سمیعی، گزارشی از اعتراض علیه ریاضت اقتصادی در هلند، گزارشی از تظاهرات علیه راسیسم در سوئد، اطلاعیه حزب در مورد جنایت در کمپ اشرف، و ...



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

## "جهاد اقتصادی" و جنبش نپرداختن قبضها

اوضاع بحرانی حکومت اسلامی هر روز به سمت وخامت بیشتر و فلج کشنده سیر میکند. از نظر سیاسی حکومت انسجامش را از دست داده و بدنیاال حذف اطلاع طلبان طرفدار خمینی، اردوی راست تر حکومت بشدت به جان هم افتاده اند. کابوس "فتنه" دیگر فقط در بیرون حکومت نیست. فقط "خطر" سرنگونی نیست که نظام اسلامی را تهدید میکند، "فتنه" دارد به شناسنامه طیف "خودبها" تبدیل میشود. از اصلاح طلبی درباری طرفدار خمینی قاتل تا امرای سپاه که وعده خونریزی میدهند و دولتی که روی دریای خون خوابیده است، هر کدام بنوعی و از جانب باندهای دیگر عامل "فتنه" اند! ما فعلا به ظرائف جنگ قدرت و جنگ بقای نظام نمیبپردازیم و هر ادعا و پروپاگاندا این و آن را محور تعریف روندهای پایه ای سیاست ایران نمیکنیم. اما حکومتی که هر روز به هر پاره تن خودش "فتنه" میگوید و تهدید به "از ریشه درآوردن" همدیگر میکنند، دور نیست که اسلحه هایشان را به هم نشانه روند. این حکومت عملا نابود شده و لاشه ای است که باید جاره شود.

خامنه ای سال جدید را "سال جهاد اقتصادی" اعلام کرده است. او سال گذشته را "سال صرفه جوئی" اعلام کرده بود. این کلمات را لازم نیست زیاد زیر نور قرار داد تا مضمون دست راستی آنها علیه کارگران شناخت. این عبارات فشرده سیاستی است که قرار است طی آن میلیونها کارگر و خانواده هایشان به مسلخ سرمایه در اردوهای بردگی بروند تا برای نظام بحران زده سود تلمبار کنند و حکومت آنها به

صفحه ۲

و معضلات بین المللی حکومت این بحران قدیمی و مزمن را به آستانه انفجار اجتماعی کشانده است. هشدارهای فوق خطرناک در باره اقتصاد ایران و صد پارگی حکومت و مردمی عمیقاً ناراضی، ماتریال این انفجار را فراهم کرده اند. نیروها و جریانات بورژوازی ایران، چه حکومتی و چه اپوزیسیونی، در جوهر با حرفها و سیاستهای خامنه ای اختلافی ندارد. اینها بالاخره نمیتوانند از اسلاف جهانی شان جلو بزنند. اما دسته جمعی میتوانند مطمئن باشند که کارگران زیر بار سیاست ارتجاعی "جهاد اقتصادی" و بردگی مطلق نمیروند.

پاسخ کل این اوضاع دست جنبش کمونیستی طبقه کارگر است. وقت آنست طبقه کارگر آگاهانه به میدان جنگ برسر قدرت سیاسی شود. در مقابل سیاست فقر و فلاکت و ریاضت کشی اقتصادی و سرکوب سیاسی سرمایه داران، کارگران باید الטרناتیو سوسیالیستی شان را قرار دهند. سرمایه داری باید برود! کارگران میتوانند جامعه ای آزاد و برابر و مرفه برای همگان برپا کنند! این امری ضروری و ممکن است! \*

کرد؟ آیا اگر اینکار را کرد مردم خانه شان می نشینند و میگویند متشکریم!؟

همانطور که پیش بینی میکردیم در مقابل موج گرانی مردم ناچارند اعتراض کنند، مردم نمیتوانند هزینه ها را براساس قیمت‌های جدید بپردازند، مقاومتی بندریج عمومی شکل میگیرد و حتی طرح رژیم را به شکست میشکاند. امروز این جنبش به اندازه کافی وسعت یافته و سران حکومت هم رسماً اعلام میکنند در مقابل نپرداختن قبض ها توسط مردم کاری از دست شان ساخته نیست. این جنبش در صورت عدم پس گرفتن طرح حذف سوبسیدها با توجه به گرانی سرسام آور بسرعت توده ای و همه گیر خواهد شد و منشا انواع شورش و اعتراض علیه فقر و گرانی در ایران و بمصاف کشیدن حکومت ارتجاعی و ضد کارگری سرمایه اسلامی خواهد شد.

حکومت اسلامی در بن بست لاعلاج و بحران عمیق همه جانبه اش گرفتار است و مسائلی مانند تحریم اقتصادی، بحران اقتصادی جهان سرمایه داری، و رویدادهای انقلابی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، تضعیف اسلام سیاسی،

## "جهاد اقتصادی" و جنبش نپرداختن قبضها ...

همینطور در دوره ای که بحران حکومت اسلامی به اوج رسیده است، بیجا است. این سخنان خامنه ای پیشیزی برای مردم ارزش ندارد. همان پاسخی که دیگر فرمایشات ملوکانه اش گرفتند مشمول این یکی هم خواهد شد. خامنه ای بهتر است بجای کپی سیاستهای خونین سرمایه داران و بانک جهانی با روایت اسلامی، فکری به حال "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" بکند. کسی که امروز و فردایش نامعلوم است نمیتواند از این ژست ها بگیرد. کارگران در اول مه باید توی دهن خامنه ای بزنند و سیاست "جهاد اقتصادی" یعنی بردگی مطلق سرمایه را با سیاست انقلاب برای آزادی و برابری و رفاه، سیاست انقلاب اقتصادی در نظام استثمارگر سرمایه داری جواب بدهند.

وانگهی برای حکومتی که خود معترف به خطر فروپاشی اقتصادی شده و نتایج بحران عمیق اقتصادی و بروز آن دارد در سقوط و ورشکستگی بانکهایش دلیل ناتوانی مردم در پرداخت بدهی ها خود را نشان میدهد، حکومتی که به گزارش بهداشتی بانک جهانی در سال ۲۰۱۱ در انتظار یک "رکود تورمی" بیسابقه و استثنائی است، سیاست "جهاد اقتصادی" نوسدارو بعد از مرگ سهراب هم نیست بلکه کیریت زدن به انبار باروت است. مثلاً کارگران و مردم محروم اگر زیر بار جهاد اسلامی خامنه ای نروند حکومت چه کاری از دستش ساخته است؟ آیا همین امروز میتواند با جنبش نپرداختن قبض های گاز مقابله کند؟ آیا مردم را از گاز و برق و آب و مایحتاج شان محروم خواهد

زعامت خامنه ای به رویشان گلوله بزند. قبلیتر آخوند جنتی و امثالهم در بحث سیاست حذف سوبسیدها مردم را به سفت کردن کمربندها و تحمل دوره ای ریاضت کشی دعوت کرده بودند. زبان هر چقدر آخوندی و اسلامی بشود، اما ماهیت طبقاتی این سیاستها بحدی روشن است که نیازی به توضیح ندارد. سرمایه داران و حکومتهایشان همه جای جهان به یک زبان با کارگران سخن میگویند.

اما چه کسانی باید صرفه جوئی کنند و چه کسانی باید شمشیر خونین "جهاد اقتصادی" بر فرق شان فرود آید؟ اوباش پاسدار و بسیجی، اطلاعاتی ها؟ آخوندها و دستگاه مذهب؟ حضرات اتاق بازرگانی تهران؟ روسای باندهای قاچاق و سران واردات انحصاری کالاها؟ خانواده های حکومتی که دست شان به منابع میلیاردری وصل است؟ سرمایه داران و صاحبان و سهامداران شرکتهای و کمپانیهای بزرگ؟ خیر، قرار است کارگران صرفه جوئی کنند و به "امت جهاد اسلامی سرمایه" تبدیل شوند. شرم آور است! در مملکتی که کارگر یک سوم تا یک پنجم خط فقر رسمی و اعلام شده دستمزد میگیرد و همواره همان دستمزد هم در گرو و معوق است، بیماری و بیکاری و محرومیت از آموزش و سلامتی و فراغت سهم شان است و از بوق سگ تا آخر شب جان میکنند و هنوز گرسنه اند، باید برای بقای حکومت اسلامی سرمایه "جهاد" کنند! یعنی به زبان آدمیزاد چند برابر بیشتر به فقر و فلاکت رانده شوند و خانواده هایشان نابود شود.

اما این توقع بویژه در دوران خیزشهای توده ای برای بزیر کشیدن دیکتاتورها و حکومتهای مبتنی بر فقر و اختناق، و

**جهان بدون فراخوان  
سوسیالیسم، بدون امید  
سوسیالیسم، بدون "خطر"  
سوسیالیسم، به چه منجلاهی  
تبدیل میشود!**

اطلاعیه حزب بمناسبت اول ماه مه،



## نه به سرمایه داری! یک دنیای بهتر ممکن است!

همه جای جهان علیه فقر و اختناق و برای آزادی و برابری و رفاه دفاع کرد. باید صدای کارگران مصر و ایران و فرانسه و یونان و کره و ترکیه و همه جا با سرود انترناسیونال درهم آمیزد و ندای رهایی بشریت سر دهد. اول مه سنت جنبش بین المللی کمونیستی طبقه کارگر است. اول مه روز صاحبان واقعی این دنیا است. اول مه را گرامی میداریم چون کارگر و جنبش سوسیالیستی اش تکیه گاه انسانی جامعه امروز است. بدون اعتراض کارگری و بدون انتقاد کمونیستی کارگری، سرمایه داری یک بربریت تمام عیار را در مقابل بشریت میگذارد.

کارگران جهان متحد شوید! پرچم انقلاب کارگری را برافرازید و در نبرد جهانی علیه سرمایه سنگرها را یکی بعد از دیگری فتح کنید! ما کارگران در این جدال چیزی جز زنجیرهایمان برای از دست دادن نداریم، اما جهانی را بدست خواهیم آورد!

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۱

روز اعلام بی اعتباری نظام سرمایه داری و روز اعتراض طبقه کارگر به نظام بردگی مزدی در سراسر جهان است. کارگران در این اوضاع باید در مقابل راه حلهای طبقات حاکم و اپوزیسیون بورژوائی، راه حل کارگری و رهاییبخش خود را قرار دهند. در اول مه اعلام کنیم: نظام سرمایه داری و حکومت هایش باید گورشان را گم کنند! قاطعانه اعلام کنیم ما کارگران که هر روز چرخهای این دنیا را بحرکت در می آوریم، خود میتوانیم آنرا اداره کنیم! ما کارگران میتوانیم جامعه ای بسازیم که هر کس به اعتبار انسان بودن از کلیه مواهب زندگی اجتماعی که حاصل کار و تلاش جمعی ماست بهره مند شود و به اندازه توانش در رفع نیازمندیهای همگان بکوشد. جامعه ای فارغ از استثمار، طبقات و تفاوتهای طبقاتی، جامعه ای عاری از هر گونه تبعیض و نابرابری. یک جامعه آزاد کمونیستی!

در اول مه امسال همراه با اعتراضات و خیزشهای توده ای در گوشه و کنار جهان، باید بیش از هر زمان بر اتحاد انترناسیونالیستی و بر اهداف و منافع واحد و جهانی طبقه کارگر تاکید کرد. باید با قاطعیت از تلاش طبقه کارگر در

بیکار سازی، تشدید استثمار بخش شاغل طبقه کارگر، کاهش و انجماد دستمزدها، و تحمیل فقر بیشتر است. سیاست حکومتهای سرمایه داری اینست که هزینه بحران را روی دوش طبقه کارگر بگذارند. متقابلاً کارگران اعلام کرده اند که هزینه بحران سرمایه را نمیدانند. کارگران در ابعاد میلیونی در فرانسه و یونان و آمریکا و پرتغال و انگلستان و دیگر کشورهای اروپائی علیه این وضعیت اعتراض و مقاومت میکنند. کارگران در کشورهای خارومیانه و شمال آفریقا هم ماهیتا خواست مشترکی دارند. کارگران در این کشورها از فقر و بیحقوقی و سرکوب دیکتاتوریهای سرمایه به تنگ آمده اند. در ایران جمهوری اسلامی در عمیق ترین بحران حکومتی دست و پا میزند. یورش بورژوازی اسلامی به معیشت طبقه کارگر و تشدید گرانی و فقر، رویارویی توده ای کارگران و محرومان با حکومت اسلامی را بیش از پیش در چشم انداز قرار داده است.

اول ماه مه ۲۰۱۱ یکبار دیگر

نظام سرمایه داری در بحران عمیقی بسر میبرد. نه فقط نشانه ای از بهبود و تخفیف جدی بحران بچشم نمیخورد بلکه بر دامنه کشورهای سرمایه داری که با فروپاشی اقتصادی مواجهه اند افزوده میشود. این واقعیت بیش از هر چیز نشاندهنده ورشکستگی سیستم سرمایه داری در تامین نیازهای اولیه زندگی توده های عظیم مردم محروم است. امواج انقلابی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و اعتراض توده ای علیه فقر و بیکاری و فساد و دیکتاتوری، یک نتیجه بحران اقتصادی جهان سرمایه داری و واکنش طبقه کارگر و توده های مردم محروم به این بحران است. سرمایه داری در تمامیت خود با بحران اقتصادی و بی اعتباری توده ای روبروست. کارنامه این نظام با سازماندهی برده وار استثمار کار مزدی، سرکوب سیاسی، تبعیض، فقر و بیکاری، جنگ و قتل عامهای فجیع، تروریسم و میلیتاریسم، و ضدیت با آرمان و تلاش بشریت کارگر برای رهایی عجین است.

در مقابل بحران عمیق سرمایه داری جهانی، راه حل بورژوازی در تمام کشورها سیاست ریاضت اقتصادی، تعدیل نیروی کار و

## زنده باد جنبش مجامع عمومی، زنده باد شوراهای کارگری!

### کارگران! در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید!

### مجمع عمومی تجمع طبیعی کارگران و ظرف اعمال اراده

### مستقیم و مستمر توده کارگران است!



آنر ماجدی

## آیا حجاب باید ممنوع شود؟

تحلیلی از حجاب و جایگاه آن

اسلام سیاسی و جنبش اسلامی است.

است.

اسلام، همچون تمام مذاهب دیگر، زن ستیز و مردسالار است. اسلام محصول یک نظم مرد سالار است و بعلاوه مردسالاری موجود را ارتقاء داده و در اشکالی کنکرت تر و محدود کننده تر تثبیت کرده است. اسلام، بویژه در تمام جوانب زندگی شخصی، خصوصی و اجتماعی انسان نفوذ کرده است. اسلام قوانین و مقررات بسیار مردسالارانه ای بر مناسبات میان زن و مرد در خانواده و جامعه مقرر کرده است. آپارتاید جنسی مشخصه نظام سیاسی-اجتماعی اسلام است.

زن، طبق اسلام، موجودی مستقل و صاحب رای و اراده نیست. زن تداوم مرد محسوب می شود. زن متعلق به مرد، پدر، پدر بزرگ، برادر یا شوهر است. خود هیچ موجودیت و هویت مستقلی ندارد. اصلا بدون مردی که صاحبش باشد، در جامعه بحساب هم نمی آید. حجاب تجویز شده است، تا مایملک مرد را از تعرض مردان دیگر محفوظ بدارد؛ مانند سیم خاردار که دور خانه ای کشیده می شود تا از ورود دزد به خانه جلوگیری کند. یک زن "آزاد"، بدون "صاحب"، در اسلام مال "حلالی" است برای تعرض هر مردی.

این یک بحث و ادعای پوچ است که حجاب را صرفا یک نوع پوشش در نظر بگیریم. باید تاکید کرد که حجاب در زندگی میلیون ها زن که تحت قانون اسلام زندگی می کنند، ابزاری برای بندگی و بی

چرا این استدلال به بحث ما مربوط می شود؟ ممکن است در مقابل این بحث چنین استدلال شود که صرفنظر از خصلت مذهبی یا سیاسی حجاب، فرد باید در پوشیدن هر سمبل مذهبی یا سیاسی آزاد باشد. پاسخ به ادعای اخیر از زاویه اصول و قوانین حاکم در جوامع مدرن منفی است. در بسیاری جوامع از جمله جوامع غربی، در بسیاری مشاغل یک کد یا نرم پوشش وجود دارد. بطور نمونه در بخش پزشکی، پلیس، آتش نشانی، و ادارات هر نوع پوششی آزاد نیست. این نرم از طرف جامعه پذیرفته شده و رعایت می شود. لذا حجاب نیز باید از همین زاویه مورد بررسی قرار گیرد.

یا بطور نمونه، موتور سواران و در برخی جوامع دوچرخه سواران باید کلاه ایمنی بسر داشته باشند؛ لذا ادعای برخی مذاهب یا تعلقات ملی به پوششی بر سر که مانع پوشیدن کلاه ایمنی است، پذیرفته نمی شود. حجاب نیز باید در حیطه همین مقولات مورد بررسی قرار گیرد. اما بنظر می رسد که نه تنها اسلامیت ها، بلکه برخی سازمان های حقوق بشر و چپ نیز حجاب را بعنوان مقوله ای کاملا مجزا و منحصر بفرد در نظر می گیرند.

این استاندارد دو گانه را باید مورد نقد جدی قرار داد. باید هر نوع "حجاب" رومانتیکی که بر حجاب کشیده شده است را درید و جعلیات و مغلظه های فلسفی و حقوقی حول این مقوله را شکافت. حجاب سمبل مذهب، ایدئولوژی و جنبش سیاسی ای است که زن را بی ارزش و بی حقوق قلمداد می کند. حجاب ابزار و سمبل بی حقوقی و بردگی زن

حجاب، یعنی در هر شکل و فرم آن و در هر شرایطی، بعنوان دفاع از آزادیهای فردی یا آزادی پوشش کاملا اشتباه و گمراه کننده است. چنین استدلالی حقوق دیگر برسمیت شناخته شده در جامعه، حقوقی اگر نه مهم تر به همان اندازه مهم را تحت الشعاع قرار می دهد. دفاع بی قید و شرط و مطلق از پوشش حجاب با حقوق دیگر در تناقض قرار می گیرد؛ بطور نمونه، حقوق کودک، حقوق زنان، حق جامعه و اصل سکولاریسم. در دفاع از آزادی پوشش حجاب باید شرایط مختلفی را در نظر گرفت. 1- سن فردی که حجاب می پوشد؛ 2- میزان حجاب، یعنی تا چه میزان از بدن را می پوشاند؛ 3- در کجا حجاب مورد استفاده قرار گرفته است.

### چرا این فاکتورها باید در نظر گرفته شود؟

قبل از هر چیز باید حجاب را تعریف کرد و جایگاه آنرا شناخت. آیا حجاب فقط یک مد لباس یا یک نوع لباس است؟ بحثی که می کوشد حجاب را فقط یک نوع لباس قلمداد کند، کاملا گمراه کننده است. پوشیدن حجاب یک اصل و دستور مذهبی و پوشش مذهبی است؛ بعلاوه، در شرایط کنونی حجاب به بیرق یک جنبش شدید ارتجاعی و ضد زن، یعنی اسلام سیاسی، بدل شده است. حجاب به سمبل قدرت اسلامی بدل شده است. هر جا اسلامیت ها قدرت سیاسی را بدست گرفته اند یا در قدرت سیاسی سهیم شده اند، حجاب را با زور شلاق و شکنجه بر زنان تحمیل کرده اند. تحمیل حجاب بر زنان سمبل قدرت گیری و پیروزی

با تصویب ممنوعیت برقع و نقاب در امکان عمومی در فرانسه، یکبار دیگر مساله حجاب، آزادی مذهب و پوشش، حقوق مدنی و سکولاریسم (لانیسته) و تبعیض علیه یک محیط اجتماعی معین، محیط مسلمان، در صدر اخبار و مسائل بحث برانگیز اجتماعی قرار گرفته است. مساله حجاب بویژه در دهه اخیر بعنوان یک مساله حاد در جوامع غربی مطرح بوده است. چند سال پیش در انگلستان دختری که حجاب کامل از سر تا پا می پوشید مدرسه ای را که حجاب کامل را ممنوع کرده بود به دادگاه کشاند؛ در هلند چند سال پیش دولت مساله ممنوعیت برقع را طرح کرد؛ در بلژیک پارلمان ممنوعیت برقع را به تصویب رساند، اما بحران دولتی عملا اجرای آنرا بتعویق انداخت.

هر بار که دولتی تمایل خود به ممنوعیت حجاب را در شکل یا فرمی طرح می کند، اسلامیت ها و برخی سازمان های مدافع آزادی مذهب و حقوق مدنی بحث حول این مباحث را در رسانه ها و جراید کشوری مطرح می کنند.

اسلامیت ها و برخی سازمان های حقوق بشر اعلام می کنند که جامعه باصطلاح مسلمان از واقعه تروریستی یازده سپتامبر مورد تبعیض و حملات راسیستی قرار گرفته است. بر همین مبنا استدلال می کنند که تلاش برای ممنوعیت برقع و نقاب تعرض به آزادی های فردی و حمله راسیستی دیگری به جامعه مسلمان است. برای روشن شدن صحت و سقم این ادعاها باید این مسائل را مورد تحلیل و بررسی عمیق تر قرار داد.

بنظر من دفاع مطلق از پوشش



## آیا حجاب باید ممنوع شود ...

حقوقی است.

محفوظ می دارد و یا باید محفوظ بدارد. مبارزات بسیاری انجام گرفته است تا ایده سنتی، پدرسالارانه و فنودالی که کودک را مایملک پدر محسوب می کند به مصاف بطلد.

این یک دستاورد مهم است که در اساس مذهب را به مصاف می طلبد. زیرا طبق اصول مذهبی کودک مایملک پدر است. در اسلام پدر یا پدر بزرگ حق دارند کودک را بکشند و هیچ مقامی حق دخالت در این امر را ندارد. باین ترتیب منشور دفاع از حقوق کودک بعنوان یک انسان مستقل و دارای حقوق ویژه، این اصل پایه ای مذهب را باطل اعلام می کند. لغو حقوق بی قید و شرط اولیاء، در واقع پدر بر کودک، باید به دختران تحت اسلام نیز بسط یابد.

حجاب یک تعرض مستقیم و خشن به حقوق دختر بچه ها است. حجاب دختران را از یک زندگی نرمال، شاد و رشد آزاانه و سالم محروم می کند. حجاب از همان طفولیت جدایی دو جنس را بر جامعه تحمیل می کند. دختر از همان طفولیت تحت تبعیض مسلم قرار می گیرد. می آموزد که باید نوع دیگری عمل و فکر کند؛ باید توقعاتش را از زندگی کاهش دهد؛ درونی میکند که هویت و موجودیت مستقل ندارد؛ باید خاموش و مطیع باشد. حجاب ابزاری برای تثبیت بی حقوقی زن، بندگی زن و آپارتاید جنسی در جامعه است. لذا برای دفاع از حقوق کودک، ممانعت از تعرض به حقوق کودک، آسیب رساندن به شخصیت و رشد کودک، حجاب باید برای کودکان ممنوع شود.

با این وجود ممکن است استدلال شود، که اگر کسی تصمیم بگیرد یک زندگی برده وار را انتخاب کند، باید بتواند چنین کند. جامعه مدنی مدرن پاسخ متفاوتی به این استدلال ارائه می دهد. در جامعه مدرن که برخی حقوق انسانی و فردی برسمیت شناخته شده است، منشورهایی در دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و غیره بتصویب رسیده است. در این جوامع حتی کوشیده می شود که انسان را از آزار رساندن بخود مانع شوند. با همین منته، می توان باید محدودیت هایی بر پوشیدن حجاب برقرار کرد. در اینجا است که اختلافات و بحث های متقابل در می گیرد. این یک عرصه خاکستری و بحث برانگیز است. در اینجا است که باید به عرصه هایی که در بالا به آنها اشاره شد بپردازیم.

### ممنوعیت حجاب برای دختران زیر سن قانونی

یکی از دستاوردهای جامعه مدرن برسمیت شناختن کودک بعنوان انسانی مستقل و ضربه پذیر است. این آگاهی، تصویب منشوری بعنوان منشور حقوق کودک را ضروری کرده است. تمام جوامع متعلق به سازمان ملل، در شکل فرمال یا واقعی و با درجات مختلف در اجرای منشور، منشور حقوق کودک را برسمیت شناخته اند. هدف این منشور دفاع از حقوق کودک و ممانعت از سوءاستفاده و آسیب رساندن به کودک است. جامعه باید در مقابل حق کودک به یک زندگی نرمال، ایمن و شاد مسئول باشد. رشد نرمال و سالم یک کودک از مسئولیت های اجتماع و نه فقط اولیای کودک است. این منشور کودک را در مقابل آسیب و سوءاستفاده اولیاء و خانواده نیز

استدلالی که در مقابله با این خواست انسانی، بر دفاع از آزادی مذهب تاکید می کند، کاملاً پوچ و مسخره است. "کودک مذهب ندارد." این مذهب اولیاء و خانواده است که بر کودک تحمیل می شود. لذا تا زمانی که کودک، کودک است، باید از تعرض مذهب محفوظ باشد. زمانی که به سن قانونی رسید، آنگاه می تواند میان بندگی و آزادی انتخاب کند. جامعه در مقابل حقوق کودک و رشد سالم و نرمال وی مسئول است و باید این مسئولیت خود را جدی بگیرد؛ همانگونه که کار کودک را ممنوع اعلام کرده است؛ تنبیه بدنی کودک جرم محسوب می شود؛ سوء استفاده جنسی از کودک جرم است و آموزش و پرورش کودک اجباری است؛ حجاب نیز باید در رده این مقولات قرار گیرد و پوشش آن برای دختر بچه ها ممنوع شود. حجاب یک تعرض مسلم جسمی و روحی به کودک است.

### جامعه سکولار در برابر حجاب

در یک جامعه سکولار، مذهب امر خصوصی و شخصی شهروندان است و باید از دولت، قوانین، آموزش و پرورش و هویت شهروندی جدا باشد. بیک معنا دولت در برابر مذاهب خنثی است و هیچ مذهبی را تشویق و تبلیغ نمی کند. یک جامعه سکولار قابلیت دفاع بیشتری از حقوق فردی و مدنی افراد دارا است. بر خلاف نظر حاکم که یک جامعه سکولار را مخالف آزادی مذهب قلمداد می کند، یک جامعه سکولار از آزادی افراد در اعتقاد به هر مذهبی دفاع می کند و محکم تر در مقابل تحریکات نفرت مذهبی مقاومت می کند.

از اینرو در یک جامعه سکولار پوشیدن یا حمل هر نوع سمبل مذهبی در ادارات و بنیادهای دولتی ممنوع است. چنین قانونی بر مبنای جدایی دولت از مذهب و عدم دفاع حکومت از یک مذهب معین تدوین شده است. لذا بر دیوار ادارات دولتی هیچ عکس و سمبل مذهبی از صلیب تا الله یا ستاره مخصوص مذهب یهود خبری نخواهد بود. انداختن صلیب به گردن، پوشیدن

کلاهک یهودی توسط مردان و حجاب توسط زنان ممنوع خواهد بود. باین ترتیب از هر نوع تداخل مذاهب در ادارات و مجامع دولتی پرهیز می شود. تبعیضات مذهبی کاهش می یابد و تفرقه و جدایی های مذهبی تعدیل می شود.

بنابراین، بنظر من قانون اخیر در فرانسه که پوشیدن و حمل هر نوع سمبل مذهبی را در ادارات و اماکن دولتی ممنوع می کند، قدم مثبتی به پیش است. اما این قانون باندازه کافی به پیش نمی رود. چرا که مدارس مذهبی خصوصی هنوز در فرانسه آزاد هستند. این مدارس به محیطی برای تبعیض مضاعف، تفرقه و جدایی بیشتر، و گتو سازی بدل می شود. باید مدارس مذهبی خصوص نیز ممنوع شود تا هر کودکی از یک محیط برابر تر برای رشد و آموزش برخوردار شود.

### برقع و نقاب، یک حق فردی یا تعرض به یک حق اجتماعی

حجاب در اشکال مختلفی اعمال می شود. از روسری تا چادر و برقع و نقاب اشکال مختلف حجاب محسوب می شوند. در سال های اخیر، برقع بعنوان سمبل طالبان شناخته شده است. نظامی بشدت ارتجاعی که ضد انسانی ترین شرایط را بر یک جامعه تحمیل کرده است و موقعیت زنان را از احشام نیز پایین تر برده است.

سوال اساسی اینجا است که آیا یک زن باید "آزاد" باشد که برقع یا نقاب بر چهره خود بکشد؟ بنظر من خیر. ممنوعیت برقع و نقاب را از دو نقطه نظر می توان مورد دفاع قرار داد. 1- دفاع از حق زنان؛ 2- دفاع از حق جامعه.

در بالا اعلام کردیم که حجاب ابزار و سمبل بردگی زن است. و بر همین مبنای استدلال کردیم که حجاب باید برای دختران زیر سن قانونی ممنوع شود. اما پذیرفتیم که در یک جامعه آزاد افراد بزرگسال باید

## آیا حجاب باید ممنوع شود ...

برد. اسلامیت های زیرک، همان کسانی که با شلاق حجاب را در محیط های تحت تسلط خود پیاده می کنند، در جوامعی که حقوق مدنی را برسمیت می شناسد، به این حقوق متوسل می شوند تا حجاب را در جامعه به یک پدیده عادی و قابل احترام بدل کنند. باید این راه را در مقابل اسلامیت ها مسدود کرد.

(این مقاله در اصل به انگلیسی نوشته شده و در نشریات متعدد از جمله "متفکر آزاد" در انگلستان و "انفرماسیون" در دانمارک و وب سایت های مختلف چاپ رسیده است. همچنین به زبان های مختلفی از جمله فرانسه، اسپانیایی، لهستانی، ایتالیایی و دانمارکی ترجمه شده است و بعنوان منبع مرجع توسط بنیاد ها و انجمن های مختلف مورد استفاده قرار می گیرد).

حق فردی با حق اجتماعی در تعارض قرار می گیرد. ممنوعیت پوشش برقع و نقاب مانند ممنوعیت سیگار کشیدن در اماکن عمومی است. فردی که سیگار می کشد حقتش محدود میشود باین خاطر که دود سیگار برای افراد دیگر مضر است. حق فردی با حق اجتماعی در تعارض قرار می گیرد و لذا محدود می شود.

در پایان باید یکبار دیگر تاکید کنیم که حجاب را باید دوباره و بدون هیچگونه رومانتیسم حق فردی یا آزادی مذهب تعریف کنیم. حجاب را بعنوان ابزار و سمبل به بردگی کشیدن زنان و تنزل شان انسانی زن برسمیت بشناسیم. مضرات آنرا برای رشد نرمال، آزاد و سالم کودک برسمیت بشناسیم و همچنین مضرات آنرا برای کل جامعه مورد بررسی قرار دهیم. باین ترتیب به واقعیت وجودی حجاب پی خواهیم

حقوق و انسانیت اوست. جامعه نباید به چنین بی احترامی و تعرضی به زن اجازه بروز دهد. نقاب و برقع باید تحت قانون "خود آزاری" غیرقابل مجاز قرار گیرد. حال از این استدلال می گذریم که هیچ انسان صاحب اختیاری حاضر نمی شود که چنین توهین و محدودیتی را آزادانه انتخاب کند!

در برخورد به مقوله نقاب و برقع ما از حیثه حقوق فردی عبور می کنیم و به حیثه حقوق اجتماعی می رسیم. برقع علاوه بر تعرض آشکار به حقوق زن، حقوق اجتماعی را نیز مورد تهدید قرار می دهد. فردی که برقع بر چهره دارد، برای افراد دور و بر و جامعه، بی هویت است؛ قابل شناخت نیست؛ جامعه نمی تواند بطور روزمره با انسان بی صورت و هویت فونکسیون های خود را به پیش برد. بطور مثال در یک محیط کار، چه همکاران و چه مراجعین قادر نیستند با فردی که صورت خود را پوشانده است وارد صحبت، مذاکره یا کار و فعالیت شوند. مساله جلب اعتماد افراد یک فاکتور مهم در پیشبرد فونکسیونهای اجتماعی است. انسان بی چهره این اعتماد را زیر پا می گذارد و یک خلاء مهم اعتماد در محیط کار و در اطراف خود ایجاد می کند.

مساله اعتماد از محیط کار فراتر می رود. در اماکن عمومی، در خیابان، در اتوبوس، زمین بازی کودکان، در هواپیما، در هر محیط عمومی، فرد برقع پوش یک شرایط ناامن برای محیطش ایجاد می کند. در اینجا است که

مجاز باشند که در صورت "تمایل" حجاب را "انتخاب" کنند. همچنین از محدودیت هایی که جامعه بر "خود آزاری" مقرر می کند، نیز صحبت کردیم. بطور نمونه، ختنه دختران که پس از یک مبارزه طولانی نام درست تری بر آن گذاشته شد، یعنی مثله جنسی دختران، در بسیاری از جوامع متمدن ممنوع شده است. مدافعین حقوق زن و کودک بدنبال یک مبارزه طولانی و متمرکز توانستند توجه جامعه را به این عمل وحشیانه جلب کنند و آنرا بعنوان یک جنایت برسمیت بشناسانند.

در اینجا باید تاکید کرد که آزادی مذهب بمعنای آزادی عمل کردن به تمام دستورات و اصول مذهبی نیست. برخی مذاهب به قربانی کردن انسان ها در مقابل خدایان معتقدند؛ برخی به مثله جنسی دختران؛ برخی به بی حقوقی و آزار جسمی و روحی انسان ها؛ برخی به سوزاندن زن بیوه به همراه جسد شوهرش؛ تمام این رسوم و دستورات در کشورهای متمدن غیرقانونی است و باید در تمام دنیا ممنوع شود. مطابق اسلام مرد حق دارد زن "سرکش اش" را تنبیه بدنی کند؛ آیا باید این دستور آزاد باشد؟ روشن است که نباید چنین باشد و مردی که به این دستور عمل می کند با قانون روبرو خواهد شد.

برقع و نقاب نیز در رده همین دستورات مذهبی است و باید ممنوع شود. برقع و نقاب زن را از هر نوع هویتی محروم می کند. زن را به یک روح بی هویت و شکل بدل می کند، هویت انسانی را از او سلب می کند. اجازه پوشش آن بمعنای قبول موجوداتی بی هویت است که مانند ارواح در گوشه و کنار جامعه در تحرک اند و این یک توهین مسلم به زن و

### عسلویه:

#### کشمکش کارگران بر سر قراردادهای ادامه دارد!

بنا به خبر دریافتی، از روز ۵ فروردین کارفرما برای تحت فشار قرار دادن کارگران از ورود آنها به داخل فازها و پالایشگاههای عسلویه جلوگیری میکند. کارفرما و مسئولین شرکتهای پیمانی در مقابل خواست افزایش دستمزدها و قراردادهای جدید، سیاست تهدید و اخراج را پیش گرفتند و ورود کارگران را به داخل سایتها منوط به امضای قرارداد کارفرما کرده اند. کارفرما تاکنون تعدادی از کارگران را اخراج کرده است که با اعتراض همکاران و کارگران دیگر بر سر کار برگشته اند.

کارگران در متن کشمکش و بحث و جدال نهایتاً حاضر شدند قراردادهای با تغییراتی امضا کنند. این تغییرات شامل موارد زیر است:

۱- کارفرما موظف شد که بلافاصله ۶ درصد افزایش دستمزد را قبول و پرداخت کند، ۲- سنوات سالانه را بلافاصله به حساب کارگران واریز کند، ۳- مزایا از جمله عیدی و غیره در قرارداد قید شود و بلافاصله پرداخت شود، ۴- بعد از دو ماه به میزان دستمزد فعلی ۱۰ درصد اضافه شود.

کارگران عسلویه بدنبال یک رشته اعتراضات و اجتماعات بر سر قراردادهای نهایتاً توانستند بخشهایی هر چند ناچیز از خواستههایشان را متحقق و قراردادهای جدید را امضا کنند. کارگران اما ناراضی اند و کشمکش بر سر تعیین دستمزد مورد نظر کارگران ادامه دارد.

#### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۸ فروردین ۱۳۹۰ - ۷ آوریل ۲۰۱۱

## اول ماه مه

### ویژگیهای جهان معاصر، سیاست ما

گفتگو با هیات دائر حزب



فقط تلاشی برای حفظ نظام سرمایه داری است.

پس از سقوط شوروی و نظام سرمایه داری دولتی که به "سوسیالیسم موجود" معروف شده بود، ایدئولوگ ها و حکومت های سرمایه داری "شکست سوسیالیسم" "مرگ کمونیسم" و پیروزی سرمایه داری را اعلام کردند. این یک نبرد سیاسی - ایدئولوژیک با طبقه کارگر و جنبش کمونیستی و برای منکوب کردن کارگر بود. بمدت نزدیک به یک دهه دمار از روزگار کارگر و مردم محروم درآوردند؛ انسان مفرد و ایزوله را در مقابل کلیت نظام سرکوب و استثمار قرار دادند. اما 6-7 سال پس از این تاریخ منحوس جنبش کارگری دگر بار بمیدان آمد و خواسته های خود را طلب کرد. بر همه عیان شد که دنیای "بدون فراخوان سوسیالیسم" و بدون تهدید سوسیالیسم چه دنیای وحشتناک، تنها، سرکوب گر و پر تبعیضی است.

بحران اخیر قابل انتظار بود. اما چرا این بار دیرتر و این چنین عمیق بروز کرد؟ سقوط شوروی و باز شدن دنیای تحت سلطه نظام شوروی یک بازار وسیع کار و کالا در مقابل نظام سرمایه داری جهانی گشود. نیروی کار متخصص و ارزان یکی از خصائص این بازار است. بعلاوه در همین دوره رشد قابل توجه تکنولوژیک به تعویق بحران کمک کرد. اما این شرایط و تعویق بحران موجد یک بحران بسیار عمیق تر گردید.

قطعا بورس بازی های ماجراجویانه

صفحه ۸

و کارگران و مردم زحمتکش دقیقاً علیه این وضعیت اسارت بار به میدان آمده اند. مسلماً با تغییر فضای سیاسی هر جک و جانوری هم فعال خواهد شد. اما شیب زمین بر علیه شان است. این شرایط برای کارگر و کمونیسم کاملاً مثبت است. در جامعه ای که تغییر بیان وضع موجود و سیاست روز است، گشادهای بسیاری برای شنیدن آلترناتیو کارگری و کمونیستی باز است. آینده از پیش رقم نخورده است. اما شرایط برای شکل دادن آینده ای انسانی و شایسته توده های مردم بیش از هر زمان فراهم شده است. کارگر و کمونیسم باید بمثابه یک نیروی مستقل و با پرچم سوسیالیستی در این تحولات قد علم کنند.

**یک دنیای بهتر:** جهان سرمایه داری در یکی از بحرانی ترین دوران حیات خود بسر میبرد. بحرانی مزمن پیکره این نظام را در بر گرفته است. چه شده، نظامی که تا چند سال پیش ادعای فنا ناپذیر بودن داشت و تبلیغاتش گوش هر انسان آزادیخواهی را می آزد، اکنون به چنین حال زاری افتاده است. زمینه ها و دلایل این بحران را کدامها میدانید؟ چگونه است که بحران کنونی این چنین ابعاد جهانی و طولانی مدتی بخود گرفته است؟

**آذر ماجدی:** این یک امر شناخته شده است که نظام سرمایه داری همواره دچار بحران های ادواری است. مارکس وجود این بحران های ادواری را در کتاب سرمایه توضیح داده و علت آنرا گرایش نزولی نرخ سود اعلام کرده است. لذا بحران های ادواری نظام سرمایه داری مساله پذیرفته شده و قابل انتظاری است. البته ایدئولوگ های سرمایه می کوشند هر بحران را به یک عامل نسبت دهند، یکبار به افزایش قیمت نفت، بار دیگر به بورس بازی های ماجراجویانه؛ اما اینها



به لیشان رسیده است. این خیزشهای عظیم توده ای در تاریخ جهان معاصر ثبت خواهد شد.

آنچه را که ما شاهد آن هستیم بدون تردید به شرایط بسیار متفاوتی تا آنجا که امر آزادی و رهایی انسان از اسارت نظام سرمایه داری مطرح است، شکل داده است. برخی تصویر وارونه ای از تحولات اخیر دارند. این اعتراضات توده ای را با جنبشهای ارتجاعی دوران پایانی سقوط بلوک شرق مقایسه و همپراز میکنند. قیاس کاملاً وارونه است. واقعیت حاضر کاملاً متفاوت است. برخلاف جنبشهایی که هدفشان رسیدن به بازار آزاد و رقابت و نوع دیگری از نظام سرمایه داری بود، تحولات معاصر در جوهر خود اعتراضی علیه کارکرد نظام سرمایه در این جوامع است. سرمایه در این جوامع عملکردی به غیر از ایجاد فقر و فلاکت و شکاف عظیم طبقاتی و ایجاد سیستمی استبدادی بمنظور حفظ چنین کارکردی ندارد. سرمایه داری و ذره ای آزادی در این جوامع قابل جمع نیستند. سرمایه داری و ذره ای رفاه در این جوامع قابل جمع نیستند. این اعتراضات در جوهر خود تلاشی برای حاکم کردن گرایش ناسیونالیستی و اسلامیستی نیست.

**یک دنیای بهتر:** جهان کنونی را در آستانه اول ماه مه چگونه می بینید؟ تفاوتها و تشابهات کدام است؟ تغییرات یکسال گذشته چه تاثیری بر موقعیت و تلاش کارگر و کمونیسم برای آزادی و رهایی انسان داشته است؟

**علی جوادی:** آنچه که یکسال گذشته را از سالهای ماقبل خود متمایز میکند، تحولات و رویدادهایی است که در این یکسال بوقوع پیوسته است. توده های مردم در گوشه ای از جهان سرمایه داری علیه نظام سیاسی و اقتصادی موجود در مقابل چشمان ناباور و حیرت زده حاکمان دنیای کنونی بپاخواستند. مردم فقیر و زحمتکشی که تاکنون "هیچ بودگان" بودند بپاخواستند و تاریخ خاورمیانه و شمال آفریقا را رقم زدند. برای اولین بار در تاریخ این جوامع سرنوشت قدرت سیاسی را نه کودتا و دعوای خانوادگی حکام این کشورها بلکه قدرت و اراده توده های مردم رقم زد.

این واقعیات شاید یکی از بزرگترین رویدادهای تاریخ دو قرن اخیر است. ما در متن این تحولات قرار داریم، اما تاریخ در نگاه به این رویدادها تصویر همه جانبه تر و عمیق تری را ارائه خواهد کرد. در بخشی از جهان، جوامعی یکی پس از دیگری بپاخواستند. مساله سرنوشتی قدرت سیاسی حاکم به امر روز توده های مردم تبدیل کردند، انتظار و توقعات خود و جامعه و توده های مردم را از خود به سرعت دگرگون کردند. گویی شاهد صاعقه ای در آسمانی بی ابر بودیم! اما نه، آنچه بوقوع پیوست و در حال شکل گیری است، حاصل عزم و اراده مردمی که از زندگی حقارت بار، فقر زده، استبداد زده و نابرابر جانشان

## اول ماه مه

### ویژگیهای جهان معاصر، سیاست ما ...

میلیون ها نفر در این کشورهای به دامن فقر مطلق سوق داده شده اند. و هنوز چشم انداز خروج از بحران بسیار دور دست است.

در کشورهای تحت استبداد و استثمار وحشیانه، بطور نمونه در خاورمیانه و آفریقای شمالی شاهد شکل گیری جنبش های توده ای اعتراضی علیه نظام های حاکم هستیم. فقر و فلاکت آنچنان عمیق و وسیع است که در این منطقه عملا دارند از بحران نان صحبت می کنند. کارگران و مردم محروم به خیابان ها آمده اند و علیه فقر و استبداد و فساد حکومتی فریاد خود را بلند کرده اند. بسیاری از دولت ها که با بروز بحران اقتصادی سوبسیدها را حذف کرده بودند، سیاست حذف "حذف سوبسیدها" را بلافاصله در دستور گذاشتند.

اما اگر راه حل سرمایه برای برون رفت از بحران تشدید استثمار و افزایش نرخ استثمار و تحمیل فقر و فلاکت فزاینده بر میلیون ها انسان است؛ راه حل انسانی تری نیز موجود است: راه حل کارگری برون رفت از بحران، سرنگونی سرمایه و نظام سرمایه داری، لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و لغو کار مزدی یعنی سوسیالیسم است. لذا در شرایط بحران بهترین شرایط برای سازماندهی انقلابات کارگری فراهم می شود. مساله اینجاست که آیا طبقه کارگر برای این امر آماده است یا خیر؟ وجود و شکل گیری احزاب کمونیستی کارگری که طبقه کارگر را برای انقلاب کارگری، به زیر کشیدن سرمایه داری و بدست گرفتن قدرت سازمان می دهد، یک شرط لازم است. باید برای

بازار بورس و بانک ها در تعمیق بحران نقش داشته است. اما باید توجه داشت که این خصلت نظام سرمایه داری است، استثنایی به قاعده نیست. سود پرستی کور تنها محرکه این نظام است. شناخت و کثافت این نظام هم از همینجا ناشی می شود. یک سود طلبی کور ضد انسانی این نظام و صاحبانش را به تحرک در می آورد و در مقابل میلیون ها انسان گرسنه، استثمار و منکوب شده را بوجود می آورد. این تضاد پایه ای این نظام است.

در شرایط بحران، سرمایه داران و حکومت شان می کوشند که تمام بار و هزینه بحران را بر سر طبقه کارگر و مردم محروم و زحمتکش خراب کنند. سطح واقعی دستمزدها بشدت کاهش می یابد؛ بیکاری وسیع می شود؛ حقوق رفاه که به قیمت مبارزات طولانی و دردناک طبقه کارگر و جنبش کمونیستی بدست آمده است، یکی یکی مورد حمله قرار می گیرد. از نظر سرمایه این تنها راه حل برون رفت از بحران است.

شاهدیم که چگونه تمام ضررهای بانک ها و شرکت های بزرگ بیمه و غیره را دولت های سرمایه داری تقبل کردند؛ برخی بانک ها عملا دولتی یا نیمه دولتی شدند؛ سپس این حکومت ها که خود را بعنوان مدافع جامعه جا می زنند، به مردم گفتند که "همه باید فداکاری کنند!" باید کسری بودجه را مردم بپردازند. هم اکنون بغیر از سه کشور یونان، ایرلند و پرتغال که عملا ورشکسته اعلام شده اند و یک سیاست ریاضت کشی خشن بر آنها تحمیل شده یا دارد تحمیل می شود، کشورهای دیگر اروپایی، آمریکا و غیره بخش بزرگی از بودجه رفاه و خدمات اجتماعی را حذف کرده اند. بیکاری گسترده در تمام این کشورها به چشم می خورد.

این شرایط کوشید.

یک دنیای بهتر: تاکیدات عمومی و استراتژیک حزب در اول ماه مه کدامند؟ محورهای تبلیغی حزب در اول ماه ۲۰۱۱ کدام است؟ این تاکیدات و سیاستها چگونه جایگاه ویژه حزب را تعریف میکنند؟

**سیاوش دانشور:** تاکید اساسی ما اوضاع بحرانی و بهم ریخته ای است که در متن آن اول ماه مه برگزار میشود و پاسخی که مجموعا جنبش ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر و کمونیسم کارگری باید به این اوضاع بدهد. بحران اقتصادی دنیای سرمایه داری تنها در یکسال گذشته برای میلیاردها نفر مشقت و فقر و محنت یک ارتش وسیع بیکاری بیبار آورده است. امواج این بحران کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را در نوردیده و مجددا به آمریکا و اروپا بازگشته است. کشورهای دیگری هم در صف هستند که اوضاع وخیم کنونی شان آنها را بسرعت در کام بحران شدید میبرد. پرتغال یک مورد است که همه منتظر سقوط اقتصادی آنند. در ایران وضع بحری فاجعه بار است که حتی رسانه های حکومتی از فروپاشی اقتصادی و ورشکستگی وسیع بانکی حرف میزنند و اخیرا بدنبال انتشار گزارش بانک جهانی با درجه ای تخفیف "رکود توری" را برای اقتصاد ایران در سال جاری پیش بینی میکنند. البته بانک جهانی و سران این نهادها از این پیش بینی ها حتی خفیف تر برای کشورهای مختلف داشتند اما با بحران اقتصادی عمیق روبرو شدند. همین نهادها یکماه قبل از رویدادهای منطقه به این اوضاع فکر هم نکرده بودند. پیش بینی هایشان در مورد ایران هم همین سرنوشت را دارد. به هر حال بحران تشدید میشود و بموازات آن رویارویی بورژوازی و دولتهایشان با طبقه کارگر تشدید میشود. در کنار اینها دهها مسئله جدید و قدیم عوامل تشدید بحران هستند.

پاسخ بورژوازی همه جا روشن است: گذاشتن بار بحران روی دوش کارگران و اعمال سیاست ریاضت اقتصادی با وعده راه افتادن "تولید



و اقتصاد ملی!" حتی خامنه ای هم امسال را "سال جهاد اقتصادی" نامیده است. بورژوازی مستقل از سر و وضع ظاهری و عامه و کروات و مذهبش با یک زبان مشترک طبقاتی با کارگران سخن میگوید. تردیدی نیست طبقه کارگر در مقابل یورش بورژوازی مقاومت میکند اما موفقیت همین مقاومت نیز در گرو سنگربندی بزرگتری است. کارگران در این وضعیت سیاسی باید بعنوان آلترناتیو سیاسی بمیدان بیایند. باید از راه حل کارگری بحران سخن بگویند. باید مقاومت شان را علیه تهاجم بورژوازی به معیشت و دستمزد و زندگی شان را با اعلام بی اعتباری دولت و نظام کنونی جواب دهند. جوامع بحران زده سرمایه داری امروز باید حول راه حل کارگری بحران قطبی شود. یعنی طبقه کارگر وارد جنگ قدرت سیاسی شود. ما اینرا با علم به محدودیت های کنونی جنبش رادیکال کارگری از قبیل احزاب سیاسی کمونیستی کارگری که اینگونه فکر و عمل کنند، محدودیتها و سازش اتحادیه ها در تحمیل مشقت بورژوازی به کارگران و بسیاری فاکتورهای دیگر میگوئیم. نکته اساسی اینست که امروز سرمایه داری در بدترین و بی اعتبار ترین دوره خود بسر میبرد و امکان عینی تحرک رادیکال و جذب نیرو وسیع است. مردم و توده کارگران معمولا پاسخ واقعی و عملی میخواهند و گوش شنوا برای شنیدن حرف معقول و جدید زیاد است. محافل و جریانات رادیکال و کمونیست طبقه کارگر، با فرض و علم به شرایط متفاوت کشورها، باید تلاش کنند این جرعه را در اول ماه بزنند. طبقه کارگر



## اول ماه مه

### ویژگیهای جهان معاصر، سیاست ما ...

باید ورودش را به صحنه سیاسی در قلمرو جامعه اعلام کند و اول مه بهترین مناسبت برای اینکار است. اقدامی که توجه بسیار وسیع کارگران و جامعه را بخود جلب خواهد کرد. بسیار منطقی و قابل فهم و حق بجانب است که کارگران بگویند اگر بورژوازی نمیتواند آزادی و رفاه بدهد کارگران حاضرند آن را برای همگان تضمین کنند. سرمایه داری و حکومتهايش کنار بروند.

در اول مه امسال حرف عمومی تر کارگران مقابله با سیاستهای دولتها برای صرفه جویی در هزینه ها و زدن مخارج "اضافی" و کاهش دستمزدها و بیکاری خواهد بود. یک ویژگی جدید اول مه امسال رویدادهای خاورمیانه و شمال آفریقا است. خیزشهای توده ای و انقلابی محرومان برای نان و آزادی و علیه دیکتاتوری و فقر، تأثیرات خود را در اول مه امسال بازتاب میدهد. تاکید ما اینست که بیش از هر زمان ضروری است در اول ماه مه امسال بر همسرنوشتی و مبارزه جهانی کارگران تاکید کرد و قاطعانه و بگرمی از مبارزات ضد کاپیتالیستی و برحق کارگران و محرومان علیه حکومتهای پوسیده سرمایه داری حمایت و پشتیبانی کرد. کارگران همه جا علیه سیاست ریاضت اقتصادی مبارزه میکنند. این سه کلمه هر وقت اجرا میشود در دنیای واقعی صدها میلیون انسان را به خاک سیاه مینشانند و با عواقب مختلف اجتماعی و انسانی که بجا میگذارد کل جامعه بشری را عقب میبرد.

مسئله حمله نظامی ناتو به لیبی نیز خود را به مباحث اول مه میرساند. طبق معمول دو گرایش شناخته شده یعنی طرفداران میلیتاریسم و طرفداران ارتجاع کوچکتر یعنی طیف ناسیونالیسم ضد امپریالیستی تلاش دارند

کارگران را پشت این دیدگاهها ببرند که هر کدام منافعشان را در یک اردوی ارتجاع و تروریسم دنبال میکنند. در مقابل، دیدگاه کمونیستی و ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر، که پیشروی و پیروزی طبقه کارگر در این جدالها را شکست استراتژی میلیتاریستی و سرنگونی حکومتهای مرتجع محلی میداند، باید بوسعت طرح شود. همینطور اوضاع جهانی و بحران کنونی فرجه هائی را برای اردوی آزادیخواهی کارگری باز میکند. یکمورد مشخص جنبش اسلام سیاسی است که در متن این تحولات مورد هجوم قرار گرفته است. این جنبه مکان مهمی به جنبش آزادیخواهی و مدرنیستی کارگری و کمونیستی در ایران و منطقه میدهد.

محورهای تبلیغی حزب مانند همیشه نقد و تعرض به سرمایه داری بعنوان مسبب مصائب بشر امروز، تاکید بر اتحاد انترناسیونالیستی طبقه کارگر و حمایت پر شور از مبارزه ضد کاپیتالیستی کارگران و محرومان علیه دیکتاتوریهای سرمایه، تاکید بر ضرورت سازمانیابی کارگران در شوراها و متکی شدن به سنت مبارزاتی عمل مستقیم کارگری، تاکید بر عملی و ممکن بودن یک دنیای بهتر و یک جامعه آزاد و مرفه سوسیالیستی، و ضرورت مبرم برپائی احزاب کمونیستی کارگری و دخالت در سیاست بعنوان یک جنبش سیاسی و یک راه حل اجتماعی متمایز کارگری است. این تأکیدات و سیاستها حزب و نگرش کمونیستی کارگری را از سوسیال دمکراسی و یونیونیسم و ناسیونالیسم چپ و طیف ناسیونالیسم ضد امپریالیستی

متمایز میکند.

**یک دنیای بهتر:** شرایط و ویژگیهای جنبش طبقه کارگر در ایران کدام است؟ چه تلاشهایی برای اول ماه مه در حال حاضر در جامعه در جریان است؟ کدام خواستها و مطالبات اعتراضی مشغله عمده کارگران است؟

**نسرین رضاعلی:** این جنبشی رادیکال، با تجربه، متکی بر تاریخ جنبش شوراهای کارگری، دارای یک لایه وسیع از کارگران پیشرو و رادیکال است که در قلب یک نظام مختنق برای بهبود و تغییر تلاش میکند و تاکنون فعالین بسیاری در همین اعتراضات اخراج و دستگیر و یا زندانی شدند. شاید از شرایط و موقعیت طبقه کارگر وقتی صحبت کنیم باید به موقعیت بشدت وخیم معیشتی طبقه کارگر اشاره کرد و در عین حال مبارزات طبقه کارگر بطور عمومی که در جریان است. ما شاهد اعتراضات هر روزه طبقه کارگر در بخشهای مختلف هستیم و در عین حال شاهد تعرض پیشروانه حکومت ضد کارگری به سطح معیشتی طبقه کارگر. فشار اقتصادی و پایین بودن قدرت خرید طبقه کارگر و اعتراضات کارگران با وعده های پوچ و تهدید به اخراج و ایجاد فضای امنیتی توسط رژیم سرمایه داران جواب میگیرد و تلاش می کنند این مبارزات را به عقب برانند.

یک رکن از مبارزات طبقه کارگر، در کنار مبارزه هر روزه خود برای بهبود شرایط معیشتی و رفاهی، تلاش برای ایجاد تشکلهای واقعی خود بوده است. اما اینجا بحث بر سر جنبش طبقه کارگر است. ما بطور روتین شاهد مصافهائی بودیم که جنبش کارگری طی کرده است. گاهی با موفقیتهای چشمگیر روبرو بوده است و گاهی مبارزه ای تدافعی بوده است. اما در یک نگاه به این مبارزات میشود گفت رهبران این اعتراضات و اعتصابات با تشخیص شرایط و موقعیت توانستند کارگران را بیدار بکشند و تمامی تحریکها و فضای ارباب و تهدید به دستگیری و زندان حکومت نتوانسته مانع این اعتراضات شود و



بدون تردید هیچ گاه قادر نخواهد بود این اعتراضات را خفه کند. اگر چه در این مبارزات شاهد افت و خیزهائی بودیم اما تحرک گسترده طبقه کارگر بخاطر بهبود شرایط و به عقب راندن سیاستهای ضد کارگری دولت و کارفرما همیشه در جریان بوده است.

هر سال و ماهها قبل از روز کارگر، شاهد تقابلها هستیم. از یک طرف رژیم با اعلام یک هفته بعنوان روز معلم و کارگر و پرستار آگاهانه فضا را برای پراکندگی صفوف طبقه کارگر ایجاد کند. تلاش میکند اوباش شوراهای اسلامی و خانه کارگر و نهادهای پلیسی را که هیچ وقت اعتباری میان کارگران نداشتند را در مقابل تحرک کارگران بگذارد. کارگرانی که خود را برای روز جهانی کارگر آماده میکنند تا کیفر خواست خود را علیه حکومت سرمایه داری ارتجاعی اسلامی اعلام کنند. هر سال کارگران در مراکز مختلف تجمعاتی داشتند و مراسم مستقل خود را برگزار کردند. همینطور در تجمعاتی که خانه کارگر سازمان داده، کارگران تلاش کردند با شعارها و قطعنامه ها و بیانیه های مستقل خود نگذارند دشمنان کارگران تریبونها را داشته باشند و بعضا به بهم خوردن و تعطیلی مراسمهای دولتی منجر شده است.

امسال نیز با حدت و شدت بیشتری شاهد جنب جوش کارگران در مراکز مختلف کارگری هستیم که به استقبال روز جهانی کارگر میروند. اتفاقا امسال با

## اول ماه مه

### ویژگیهای جهان معاصر، سیاست ما ...



فکر کردند با فروکشی جنبش تعرضی و خیابانی توده های مردم سرنگونی طلب در سال ۲۰۰۹ که میرفتند تا رژیم را به زیر بکشند، موقیعت مناسبی پیدا کردند که دست به يك ضد حمله "اقتصادی" زنند و مردم را هر چه بیشتر فلج کنند. اینها فکر کردند بر متن بحران جهانی و محاصره اقتصادی به اندازه کافی توجه دارند که چنین تعرضاتی را به پیش برند. فکر کردند تعرض به سطح زندگی کارگران و مردم در ایران چندان مورد نفرت و انزجار مردم دنیا واقع نمیشود چرا که خود این مردم با تعرض دولتهای حاکم در کشورهای خود به سیستم های تامین اجتماعی و استانداردهای زندگی مواجهه هستند.

البته این احتمال را باید داد که جمهوری اسلامی نه تنها به سرکوب مردمی که قبوض مواد سوختی را نمیردازند دست خواهد زد، بلکه حتی آب و برق و گاز را هم بر آنان قطع کند. از این رو در مردم باید این آمادگی را ایجاد کرد که چگونه با این تعرض نیز مقابله کنند.

عدم پرداخت قبوض آب و برق و گاز را باید به يك جنبش وسیع اعتراضی بدل کرد. جهت گسترش و تداوم این مبارزه یکبار دیگر جایگاه مجامع عمومی در کارخانه ها و ایجاد شوراهای محلات برجسته میشود. کارگران بخاطر محیط کار خود از این امتیاز بزرگ برخوردارند که میتوانند به يك اقدام همزمان و گسترده در این زمینه دست زنند و به يك نمونه برای کل جامعه و پشت گرمی آن بدل گردند. کارگرانی که در مراکز تولید و توزیع آب و برق و گاز کار میکنند میتوانند مانع قطع سوخت رسانی به مردم گردند. شوراهای محلی میتوانند در مقابل تعرضات رژیم برای دستگیری کسانی که قبوض را نپرداخته اند مقاومت توده ای سازمان دهند و یا مانع قطع آب و برق و گاز توسط عوامل رژیم در محلات گردند.

این تعرض جدید جمهوری اسلامی را تنها با يك جنبش همگانی عدم پرداخت قبوض آب و برق و گاز میتوان به عقب راند. پیشروی و پیروزی این جنبش میتواند و باید با دخالت وسیع کارگران تامین گردد از این رو ما همه کارگران را فرامیخوانیم که در پیشاپیش این مبارزه قرار گیرند. \*

اما کارگران و مردم این تعرض را بیجواب نخواهند گذاشت و همانطور که میبینیم از هم اکنون تحرکاتی از پایین آغاز شده که این اقدام رژیم را خنثی و بر علیه اش بدل کنند. عدم پرداخت قبوض آب و برق و گاز يك حرکت نو و اقدام عملی است که مردم بدان رسیده اند. این اعتراضی است که میتواند به راحتی رژیم را به عقب بکشاند و عرصه جدیدی را در مبارزه علیه فقر و فلاکت بگشاید. همانطور که هر تعرض جمهوری اسلامی اهداف کاملا سیاسی دارد مبارزه کارگران و مردم هم خیلی سریع شکل و اهداف سیاسی به خود میگیرد. از این رو مبارزه بر علیه افزایش قیمت مواد سوختی از این پتانسیل برخوردار است که به يك جدال و رویارویی گسترده علیه کل حاکمیت رژیم اسلامی بدل گردد.

حزب ما از خیلی پیش بر مبارزه علیه فقر و فلاکت به عنوان يك عرصه اصلی نبرد جامعه برای رهایی از رژیم اسلامی و يك عرصه مهم برای پیشروی جهت انقلاب اجتماعی در ایران تاکید کرده است. از این رو خیلی جدی به استقبال مبارزه مردم جهت عقب راندن رژیم از طریق عدم پرداخت قبوض آب و برق و گاز میرویم. و از همه کارگران پیشرو و کمونیست میخواهیم در این جبهه به میدان آیند و در پیشاپیش ابتکارات و تحرکات مردم در این عرصه قرار گیرند.

اختناق اسلامی بر آزادی و برابری و رفاه برای همگان تاکید دارند.

**یک دنیای بهتر:** در آستانه اول ماه مه رژیم اسلامی قیمت مواد سوختی را چند برابر کرده است. بخشهایی از مردم سیاست عدم پرداخت قبوض گاز و آب و برق را در دستور قرار داده اند؟ چگونه میتوان این سیاست را به سکویی برای تعرض طبقه کارگر و جامعه علیه رژیم اسلامی تبدیل کرد؟ چگونه کارگر و کمونیسم میتوانند در جلوی صف اعتراضی جامعه قرار گیرند؟ چه باید کرد؟

**جلیل بهروزی:** جمهوری اسلامی در طول حیات ننگین اش تمام تلاش خود را کرد تا بار بحران مزمن سرمایه داری در ایران را بر دوش کارگران و مردم خالی کند. يك علت پایه ای درنده خوی این رژیم ایجاد ثبات برای سرمایه جهت تامین سودهای کلان بر متن فقر و فلاکت میلیونی است. قطب بندی جامعه و انزجار میلیونی از این رژیم نیز دقیقا از این جا سرچشمه میگیرد.

بالا بردن قیمت مواد سوختی جدیدترین اقدام این رژیم جهت خالی کردن هر چه بیشتر سفره مردمی است که تا همین حالا به سختی گذران زندگی میکردند. این اقدام تهاجمی جدید به سطح معیشت و زندگی مردم و بالاخص کارگران و مردم زحمتکش است. این را همه میدانند. جمهوری اسلامی فکر کرده که با قطع سوبسیدها در سال گذشته يك گام به جلو است و حال با بالا بردن قیمت مواد سوختی میتواند چپاول جدیدی را سازمان دهد. اینها

توجه به اخراجهای زیاد و بسته شدن خیلی از مراکز کارگری و نیمه تعطیل شدن کارخانه و کارگاهها، نبودن هر نوع بیمه بیکاری و بیمه درمانی برای این خیل از کارگران بیکار، و فشار اقتصادی بیش از پیش به خانوادههای کارگری، کارگران تلاش میکنند در ابعاد گسترده در روز کارگر اعتراض کنند. باید این را اضافه کرد که اصلاحگران حکومتی تلاش دارند با نفوذ کردن میان کارگران و با اعلام اینکه "ما علیه خشنونت هستیم و کارگران باید آرام باشند" این خشم فروخورده را در این روز مهار کنند. بیانیه های ناسیونالیستی و ضد کارگری در باب روز کارگر میدهند. مسخره است، کسانی که عمری کارگران را به فقر و نابودی تشکلهایشان محکوم کردند در این وانفسا "طرفدار کارگر" شده اند. کارگران باید محکم دست رد به سینه شان بزنند. این بخش از سران حکومت اسلامی بعنوان سوپاپهای اطمینان حکومت عمل میکنند و تلاش کردند در مراکز مهم کارگری از جمله بخشهای نفت و گاز و نیروگاههای برق حضور پیدا کنند که با برخورداری کاملاً بی تفاوت از جانب کارگران به اینها رویرو شدند.

خواستهای اساسی ای مانند آزادی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری، برسمیت شناسی تشکلهای مستقل کارگری، بیمه بیکاری مکفی و بیمه درمانی، افزایش دستمزدها، لغو کار قراردادی، استخدام توسط شرکتهای اصلی و لغو شرکتهای انگل پیمانکاری، مقابله با تبعیض نژادی و جنسی میان کارگران، مقابله با اخراج و بیکار سازی، مخالفت جدی با گرانی و فقر و لغو طرح حذف سوبسیدها، از خواستهای اساسی و عمومی کارگران است. در یک کلام کارگران در مقابل سیاست فقر و

## گفتگو با مریم کوشا دبیر کمیته خارج کشور حزب



همه با آزادی کامل و در یک محیط ریلکس با ما و اهداف مبارزاتی مان برای ایجاد یک دنیای بهتر آشنا میشوند. این نکته را منصور حکمت بارها گفته است و در برنامه مان هم هست که اگر در خارج کشور وزنه ای باشیم دیگر نمیتواند ما را تکان دهند.

منصور حکمت در سخنرانی اش در کنفرانس تشکیلات حزب کمونیست کارگری در آلمان در نوامبر ۱۹۹۹ نکات بسیار مهمی را بیان کرد. در آنموقع ما عضو حزب کمونیست کارگری بودیم. این سخنان اکنون درباره حزب اتحاد کمونیسم کارگری نیز صادق است و فکر میکنم باید چنین عمل کنیم. در این نقل قول هر جا که از حزب نام میبرد میتواند بخوانید حزب اتحاد کمونیسم کارگری.

منصور حکمت چنین میگوید:

**«باید وضع اینطور باشد بگویند خارج یعنی حزب کمونیست کارگری. این عملی است و راستش فقط بدست ما عملی است. گروههای دیگر نه قصدش را دارند نه توانش را دارند، نه سیاستش را دارند، نه ایدئولوژیش را دارند، نه شعورش را دارند نه خطش را دارند و نه مردم حاضرند که حوزه نفوذ آنها بشوند. ولی این سازمان برابری طلب، آزادیخواه، انساندوست امکانش را دارد کاری کند که هر کسی در خارج است، یا بخش عظیمی از آنها، بنا به تعریف بگویند من با حزب کمونیست کارگری هستم. منتهی فقط آدمها در**

صفحه ۱۲

آکسیون نیست. منظور حضور فعال و موثر در جامعه است. باید بتوانیم با حضور فعالمان تغییری ایجاد کنیم. در این زمینه تمرکز روی برگزاری روزهای مهم در تاریخ مبارزه طبقاتی مانند اول ماه مه، ۸ مارس، ۱۶ آذر و غیره در اولویت قرار دارد. ایجاد همبستگی بین المللی با جنبشهای کارگری و کمونیستی در خارج کشور نیز قدم بعدی نقشه کمیته خارج است. اول ماه مه، روز جهانی کارگر نزدیک است و تشکیلات خارج کشور در کشورهای کانادا، هلند، انگلستان و سوئد در این مراسم شرکت فعال خواهد داشت. برنامه دیگری که داریم ایجاد واحدهای کشوری و برگزاری کنفرانس تشکیلات خارج کشور است که کمیته و دبیر خود را انتخاب کند.

**یک دنیای بهتر: چه چشم اندازی از کار در خارج کشور دارید؟** کارکرد روئین یک تشکیلات کمونیستی در خارج کشور چیست و چه برنامه ها و نقشه هایی در این زمینه دارید؟

**مریم کوشا:** بنظرم چشم انداز کار در خارج کشور باید ایجاد یک تشیلات متحد، ملیتانت، مدرن، با آگاهی بالای سیاسی- طبقاتی و دخیل در جامعه ای که زندگی میکنیم باشد. جوهر چشم انداز کار در خارج کشور اینست که بتوانیم به تشکیلاتی تبدیل شویم که در درجه اول همه ایرانیان در خارج ما را بعنوان آن حزبی که آزادی، برابری و رفاه میخواهد و برای آن مبارزه میکند، نگاه کنند و از آن خود بدانند. باید بتوانیم به تشکیلاتی تبدیل شویم که به اعتبار فعالیتهايمان در خارج هر کس که از ایران به خارج میاید بگوید یکی از اولین کارهایی که میکنم اینست که به خانه حزبی شان میروم و درد دلم را برایشان میگویم، روزنامه شان و ادبیاتشان را میخرم و میبینم کی جلسه سیاسی دارند که در آن شرکت کنم. تشکیلاتی که وقتی دانشجویی از ایران میخواهد به خارج بیاید، جمهوری اسلامی بهش میگوید فلان کشور نرو چون دست حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. ما این امکان را داریم که خارج کشور را به میدان رادیکال کمونیستی منصور حکمت تبدیل کنیم. جایی که

اعضا میخواهم که اگر متن معینی را در نظر دارند که مایلند در یکی از این برنامه ها مورد بررسی قرار گیرد حتما به من اطلاع دهند. عرصه مهم دیگر سازماندهی یک شیوه مدرن و موثر جمع آوری حق عضویتها و کمک مالی است. برای اینکار، فرمهای ساده ای تهیه کرده ایم که با کمک دبیران تشکیلاتهای محلی جمع آوری حق عضویتها و کمک مالی را تسهیل میکند. مایلیم یک نکته مهم در این رابطه بگویم. کلیه فعالیتهای حزب داوطلبانه صورت میگیرد.

ولی همه میدانیم که مخارج بالا است. برای تامین کلیه فعالیتهای حزب، از چاپ متون گرفته تا اجاره محل جلسه یا تهیه باندروال به پول نیاز دارد. رادیوی حزب یک عرصه حیاتی برای پیشبرد فعالیتهايمان است. باید بتوانیم این هزینه ها را تامین کنیم. پرداخت منظم حق عضویت تعهد سیاسی هر عضو برای مبارزه است. وظیفه ثانوی و «اگر وقت کردم!» نیست. جمع آوری کمک مالی منظم از علاقه مندان به امر حزب نیز نشانهنده تعهد به هدفی است که پیشارو داریم. ما میخواهیم تشکیلات حزب در خارج این امر را بطور روئین انجام دهد، طوری که به عادت همیشگی اش تبدیل شود. سنتی شود که هر عضو جدید نیز آنرا دنبال کند. این مسئله مهم است و باید جدی گرفته شود.

عرصه های دیگر همانطور که در پلاتفرم آمده آکسیونها و جلسات است. نکته مهم در اینمورد اینست که حزب باید در مبارزات مختلف اجتماعی و سیاسی حضور داشته باشد. کمونیسم کارگری بدون تبلیغ و حضور به انزوا کشیده میشود. منظورمان آکسیون برای نیت

**یک دنیای بهتر:** کنگره حزب تاکیدات روشنی بر تحکیم و گسترش واحدهای حزبی و کلاسر و سامان دادن به تشکیلات حزب در خارج کشور داشت. رنوس پلاتفرم کمیته خارج کشور برای پیشبرد این سیاستها کدام است؟

**مریم کوشا:** سر و سامان دادن به تشکیلات حزب در خارج برای پیشبرد فعالیتهای حزب در این عرصه، قبل از هر چه مستلزم ایجاد یک تشکیلات واحد، متشکل، با انضباط و مدرن است. همانطور که در متن پلاتفرم میبینید در بخش اهداف، خلاصه اصول ناظر بر چگونگی پیشبرد تحکیم و گسترش واحدهای حزبی توضیح داده شده است. بدون داشتن یک بدنه متشکل و متحد هیچ کاری بخوبی صورت نمیگیرد. لازم به توضیح است که هم اکنون واحدهای حزب در خارج بخوبی فعالیتهایشان را به پیش میبرند ولی ما میخواهیم بارآوری کار و تاثیرمان در جامعه را بهبود دهیم. آموزش اعضا، پرورش کادر و ایجاد شرایطی که امکان بحث و تبادل نظر را آسانتر کند خیلی مهم است.

از اینرو ایجاد خانه های حزبی یکی از اولویتهای فعالیت کمیته خارج است. تنها با اتحاد و آشنایی با یکدیگر میتوانیم یک فعالیت منسجم و هدفمند را به پیش ببریم. قرار است برنامه های آموزشی از طریق ضبط پادکست (کامپیوتر) با آذر ماجدی تهیه کنیم که در دسترس همه اعضای حزب قرار گیرد. با توضیح برنامه «یک دنیای بهتر» شروع خواهیم کرد. سپس سایر ادبیات حزب و بخصوص منصور حکمت و همچنین آثار کلاسیک مارکس را در دست قرار میدهم. همینجا از فرصت استفاده میکنم و از همه



ولی می‌خواهیم با آن چکار کنیم؟ این سوال مهمی است. همه کمیته‌های حزبی خواهان تبدیل حزب به یک حزب سیاسی دخالتگر هستند. تشکیلات خارج جزوی از این حزب سیاسی است و باید چنین هم عمل کند. امیدوارم بتوانیم با پیاده کردن اهداف بلافاصله مندرج در پلاتفرم در دراز مدت آن جایگاهی که منصور حکمت همیشه از تشکیلات خارج انتظار داشت را متحقق کنیم.\*

## گفتگو با مریم کوشا دبیر کمیته خارج کشور حزب ...

خارج نیستند. نهادها، کتابها، مجلات، رادیوها، انتشاراتیها، کانونهای خارج کشور باید در دست ما و جولانگاه ما باشد. کاری که داریم شروع میکنیم. چه آنهایی که موجودند و چه آنهایی که خودمان ایجاد میکنیم. و وقتی دو سال دیگر به اروپا و امریکا نگاه میکنند بگویند از هر طرف میچرخ میخوری به تخت سینه حزب کمونیست کارگری. بگویند این روزنامه را میبینی که یک میلیون تیراژ دارد مال اینهاست، سردبیر آن عضو اینهاست. یا اینکه مثلا این شبکه رادیوها را میبینی؟ مال اینهاست. هر کس از همان آنی که در فرودگاه پیاده میشود تا وقتی به تهران برمیگردد زیر پوشش چتر اینهاست. این عملی است. این وظیفه خارج کشور است.»

توصیه میکنم همه این سخنرانی را گوش کنند یا متن آنرا بخوانند. به سایت منصور حکمت رجوع کنید.

فعالیت در عرصه فشار به دولتها در حمایت از پناهندگان سیاسی ایرانی بسیار مهم است. در این زمینه دفتر حمایت از پناهندگان حزب بسیار فعال و موفق بوده است. این یک عرصه خیریه نیست بلکه کاملا سیاسی و انسانی است. اکثر دول کشورهای اروپایی که پناهندگان ایرانی به آنجا میروند حزب را میشناسند و نامه‌های حمایتی ما از اعتبار بالایی برخوردار است. این حزب جای همه کسانی است که تحت ستم و آزار سیاسی بوده اند و از جهنم جمهوری اسلامی فرار کرده اند. پناهندگان سیاسی از ستم، تبعیض، نابرابری و دیکتاتوری بیزارند و بخاطر فعالیتهای سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی به خارج آمده اند. همه میدانند که دیکتاتوری و خفقان حاکم در ایران جلوی هر گونه فعالیت

سیاسی رادیکال را گرفته است و گرنه اگر ما در آنجا دفتر داشتیم میلیونها نفر به ما رجوع میکردند. در خارج باید بتوانیم به تشکیلاتی تبدیل شویم که هر پناهنده سیاسی به خود بگوید، من به اینجا تعلق دارم چون اینها همان اهدافی دارند که من دارم و همان مبارزاتی را میکنند که من بخاطرش مجبور شدم از ایران فرار کنم.

کارکرد روتین حزب همانی است که در جواب به سوال اول دادم. کارهای روتین مثل تبلیغ، ترویج، آموزش، حق عضویت، جمع آوری کمک مالی، پخش ادبیات حزب و غیره. برنامه و نقشه ای که داریم، فکر میکنم برای شروع باید حول آموزش و ترویج باشد. ما باید بتوانیم همه اعضای حزب را در سطح پراتیک هم هدف کنیم تا بتوانیم بعنوان یک نیروی منسجم و هماهنگ به اهدافی که در بالا گفتم برسیم. منصور حکمت در همان جلسه ای که در بالا گفتم میگوید ما دور هم جمع شدیم که یک هدف مشترک را متحقق کنیم. ما باید یک حزب سیاسی باشیم و نه یک گره فشار. میگوید میتوانیم در خانه مان یا خانه حزبی مان بنشینیم و شمشیرهایمان را تیز کنیم ولی اگر کارمان فقط این باشد آنوقت یک آهنگری راه انداخته ایم! باید بتوانیم با ایجاد حزبمان و شمشیرهای مبارزاتی مان به جنگ سرمایه داری و تمام بی حقوقی ناشی از آن برویم. بهترین، منسجمترین، روتین کارکننده ترین تشکیلات اگر خود را بعنوان یک حزب سیاسی تشنه گرفتن قدرت سیاسی نگاه نکند، درجا میزند. ما نمیخواهیم درجا بزنیم. آری ما تشکیلات منظم، متحد با آگاهی بالای سیاسی-تنوریک می‌خواهیم.

### اعدام قتل عمد دولتی است!

#### اعدام تحت هیچ شرایطی مجاز و قابل توجیه نیست!

اعدام "مجازات" نیست، جنایت است! جنایتی آگاهانه و عمدانه که توسط نهادی بنام دولت طراحی و با نقشه قبلی اجرا میشود. اعدام قتل عمد است. اعدام تعرض به حق حیات انسان و قانونی وحشیانه برای امحای فیزیکی مخالفین و هر کسی است که قدرت دولت و اتوریته‌های متفرقه را نپذیرد. در طول تاریخ نیز این "مجازات" اساسا برای سر بزیر نگهداشتن مخالفین سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. برای نفی پایه ای سیاست اعدام باید این فرض را به کرسی نشانند که هیچکس، هیچ دولتی، هیچ قدرتی، هیچ نیرویی، به هر دلیلی، حق کشتن و گرفتن جان کسی را در مراسم شرم آور اعدام، که نامش را "اجرای عدالت" گذاشته اند، ندارد. با اعدام عدالت اجرا نمیشود بلکه قربانی میشود. نام "عدالتی" که آگاهانه و خونسر دانه جان انسانها را میگیرد ارتجاع است و باید سرنگون شود.

جمهوری اسلامی، رژیمی که برسکوی اول آدمکشان دولتی جهان ایستاده است، قصد دارد زندانیان سیاسی از جمله شیرکو معارفی و حبیب لطفی را در آستانه اول مه اعدام کند. هدف جمهوری اسلامی از اعلام این خبر و تلاش برای اجرای این جنایت، اینست که صدای آزادیخواهی کارگری را در روز کارگر خفه کند. تلاش میکند به امید و آرزوی صدها میلیون انسان در اینروز خون بپاشد. جمهوری اسلامی از روز اول با جنایت علیه کارگران و مخالفین سیاسی سر کار آمد و تا امروز با همین سیاست سر پا ایستاده است. باید تلاشهای جنایتکارانه حکومت اسلامی را متوقف کرد.

روز ۲۲ آوریل نیروهای سیاسی چپ و سوسیالیست در اعتراض به سیاست جنایتکارانه و ضد کارگری جمهوری اسلامی اجتماعات و میتینگ‌هایی در کشورهای مختلف برگزار میکنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری همراه با نیروهای سیاسی آزادیخواه مخالف اعدام، مردم آزادیخواه را دعوت میکند که در تظاهراتها و اجتماعات در کشورهای مختلف وسیعا شرکت و علیه اعدام و حکومت اسلامی اعدام اعتراض کنند. در اینروز باید علیه نفس مجازات اعدام و برای الغای بیقید و شرط این جنایت دولتی، برای لغو کلیه احکام اعدام صادر شده توسط رژیم اسلامی، برای آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی، و برای برچیدن ماشین دولتی اعدام و جنایت اسلامی متحدانه اعتراض کنیم.

تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۱





علی جوادی

## "منشور سرنگونی"، تلاشی برای اتحاد چپ و راست!

کمونیسم رادیکال، که سازمان اصلی و شاخص آن حزب کمونیست کارگری است، و طیف ناسیونالیستهای طرفدار غرب که عمدتاً حول رضا پهلوی گرد آمده اند. مجاهدین خلق را هم بعنوان یک سازمان سیاسی بزرگ و فعال میشد به این دو اضافه کرد، هرچند این سازمان، برخلاف دو جریان دیگر نوک یک جنبش اجتماعی وسیع تر و فرا سازمانی نیست و اساساً یک موجودیت سازمانی قائم به ذات است. فکر نمیکنم کسی با اندک شناختی از سیاست در ایران و جایگاه اجتماعی و مواضع این سه جریان بتواند از اتحاد اینها بعنوان یک امر واقعی قابل حصول و یا مطلوب حرف بزند. من این را درک میکنم که جان مردم به لبشان رسیده و فکر میکنند همه باید "دست به دست هم دهند" تا رژیم اسلامی را سرنگون کنند. اما میان تبیین احساسی و محاسبات سرانگشتی مردم با درک دینامیسم های تحول سیاسی در جامعه فرق هست. در درون طیف ملی - اسلامی حول مناجات و دعا برای سلامتی مزاج آقای منتظری میشود متحد شد، در طیف سرنگونی طلبان، اما، تفاوتها عمیق است.... هیچکدام اینها از اتحاد با سازمانهای بیرون طیف خودشان صحبت نمیکند. شاه و رئیس جمهور خودشان را هم از قبل تعریف کرده اند و بقیه را به امضاء گذاشتن زیر طرح خود دعوت میکنند. حزب کمونیست کارگری یک اصل اساسی دارد و آن بیان حقیقت به مردم است. ما نمیخواهیم از وحدت طلبی خودانگیخته مردم سوء استفاده تبلیغاتی کنیم. ما برای ساختن یک جمهوری سوسیالیستی تلاش میکنیم و این

انقلابی" را روشن میکند. خلاصه کنم آنچه که دو سال اندی پیش به لحاظ نظری و تئوریک باید اثبات میشد اکنون واقعیات شکل دهنده خط مشی سیاسی حزب سابقاً کمونیست کارگری دوران حمید تقوایی است.

انتشار "منشور سرنگونی" توسط این حزب بیان فشرده راهی است که پیموده شده است. این جریان به دنبال چرخش سیاسی و اجتماعی این دوران اکنون "بالغ" شده است. به دنبال اتحاد و وحدت با جریانهای "سرنگونی طلب" متعلق به جنبشهای سیاسی دیگر است. به دنبال اتحاد چپ و راست است. میخواهد صفوف "نیروهای سرنگونی طلب" را که متعلق به قشرهای متفاوت اجتماعی و سیاسی هستند به گرد منشور سرنگونی خود متحد کند. این راه را قبلاً حزب "حکمتیست" پیموده است. شکست خوردند، ناچار شدند با اعلام تغییر شرایط آن را بایگانی کنند. اکنون همان پرچم شکست خورده را حزب اکس مسلم بدست گرفته اند. پیش از آنها هم جریانهای سلطنت طلب و راست هم هر از گاه، گاه و بیگاه، این پرچم را بلند میکنند. ما بار دیگر اعلام میکنیم که این تلاشها ارتجاعی و محکوم به شکست است. نه ممکن است و نه مطلوب است. پاسخ ما به این جریانها و این تلاشهای عبث از این قرار است:

"برخلاف طیف ملی اسلامی، که از خاتمی و حجابیان و منتظری تا نهضت آزادی و اکثریت و راه کارگر، یک خاندان سیاسی و یک جنبش اجتماعی واحد را نمایندگی میکنند، احزاب سرنگونی طلب در اپوزیسیون ایران در قطب های کاملاً متفاوت و حتی متقابل یکدیگر قرار گرفته اند. دو جریان اصلی در اپوزیسیون سرنگونی طلب هست،

در این دو سال جامعه و سیاست مسیر طولانی را پیموده است. اگر در دو سال اندی پیش ما کماکان باید واقعیاتی را در عرصه تئوریک سیاسی اثبات میکردیم، نشان میدادیم راهی که این حزب در مسیر آن قرار گرفته است، نتایج آن در در عرصه سیاسی و اجتماعی کاملاً به این حزب جایگاه جنبشی متفاوتی می بخشد، اکنون واقعیات سیاسی جامعه صحت این ارزیابی را نشان میدهند. حزبی که پرچمدار نقد رادیکال و کمونیستی جنبش ارتجاعی دوم خرداد بود، در زمان حمید تقوایی تبدیل به حزبی شد که اعلام کرد موسوی و کروبی "همراه مردم" و در "کنار مردم" اند. حزبی که در پرچمدار لغو کار مزدی بود، در زمان حمید تقوایی تبدیل به حزب "اکس مسلم" شد. حزبی که در زمان منصور حکمت اعلام کرده بود که ما با نیروهای متعلق به جنبشهای متفاوت پروژه "وحدت" نداریم، ما با استعمار گران امر مشترکی نداریم، در زمان حمید تقوایی اعلام کردند که با سلطنت طلبان تظاهرات مشترک میگذارند. در تظاهراتشان شرکت میکنند و سرود فاشیستی ای ایران را از بلندگوهای تظاهراتشان پخش میکنند. حزبی که در افشای کنفرانس برلین اجازه نداد تا خط سازش و دفاع از جناحی از رژیم اسلامی در خارج قدرت تحرک پیدا نکند، تبدیل به حزبی شد که در سوئد از یک طرف در تظاهرات جریانهای ارتجاعی سبز شرکت میکند و از طرف دیگر پایی هم در صفوف چپ برای خود نگهمیدارد. همین پراتیک تکلیف ادعای "سرنگونی

بیش از دو سال از انتشار مطلب زیر در بررسی و نقد جایگاه سیاسی اجتماعی حزب سابقاً کمونیست کارگری و خط مشی حمید تقوایی در این حزب میگذرد. آن زمان شاید این نقد که حزب "کمونیست کارگری" دوران حمید تقوایی ربطی به سنت کمونیسم کارگری ندارد، یک ارزیابی جدید از این جریان و جایگاه سیاسی و اجتماعی آن بود. شاید باید نقد میکردیم، تحلیل میکردیم، اثبات میکردیم که چرا این حزب دیگر تعلق به جنبش کمونیسم کارگری ندارد. چرا این حزب بر اثر تغییر خط مشی سیاسی خود مسیری را طی کرد که در اثر آن مکان اجتماعی و جایگاه سیاسی اجتماعی و جنبشی آن تغییر کرد. واقعیت این است که آن زمان باید با بررسی موشکافانه این نقطه نظر را اثبات میکردیم. شاید آن زمان باید کماکان با این سؤال شروع میکردیم که کدام جنبش: جنبش سرنگونی یا جنبش کمونیسم کارگری و اثبات میکردیم که از آن حزب اکنون فقط اسمی باقی مانده است. همانطور که حزب بلشویک دوران لنین زمین تا آسمان با حزب بلشویک دوران استالین در زمینه جنبشی و سیاسی متفاوت بود. دو تشکل در دو جنبش متفاوت اجتماعی بودند. یکی پرچم دار کمونیسم کارگری بود، سازمانده و رهبر انقلاب کارگری بود، دیگری اما نماینده ناسیونالیسم و مدرنیسم سرمایه داری در روسیه پس از انقلاب با هدف صنعتی کردن روسیه، اما با حفظ مناسبات استثمارگرانه کار مزدی و شکافهای طبقاتی. حزب "کمونیست کارگری" دوران کنونی نیز چنین تفاوت اجتماعی با حزب کمونیست کارگری دوران منصور حکمت دارد. این تفاوت اجتماعی و جنبشی است.

## "منشور سرنگونی"

### تلاشی برای اتحاد چپ و راست...

واقعی این جریان از جنبش سرنگونی طلبی به سختی امکان پذیر است. رهبری این خط اکنون در حزب کمونیست کارگری به صراحت اذعان میکند که "نقش حزب ما اساسا این است که این جنبش اعتراضی را نمایندگی میکند!" (نشریه انترناسیونال، شماره ۲۴۴) این بیان تمام عیار جا افتادگی خط حاکم بر این حزب در یک سنت پوپولیستی است! این چرخش تبعات خاص سیاسی و اجتماعی خود را نیز بدنال دارد. یک نتیجه فرجام چنین پروسه ای تغییر و تحولاتی در مکان اجتماعی و تعلق جنبشی این حزب است.

یک ویژگی تعیین کننده پوپولیسم در دوران حاضر تحلیل بردن جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم است. حل کردن کمونیسم کارگری در این جنبش و تبدیل شدن به جناح و گرایشی در این جنبش اساس این تحرک پوپولیستی است. زمانیکه رهبری این خط اعلام میکند که اساس نقش حزب کمونیست کارگری این است که جنبش اعتراضی سرنگونی طلبی را نمایندگی میکند در حقیقت فرجام چنین پروسه ای را از قرار اعلام و تثبیت کرده است. این روند درست در نقطه مقابل و ضد روندی است که در طول دو دهه منصور حکمت در تغییر و تحول مکان و جایگاه اجتماعی چپ ایران رهبری و هدایت کرد. این تغییر، فراری به گذشته است. فرار به سنگر جنبشهای دیگر، فرار به مجموعه فکری دیگر، فرار به سنگر پوپولیسم و "حقوق بشر" بعنوان فصل مشترک جنبش "همه با هم"!

شاید در واکنش گفته شود که مگر نه اینکه جنبش کمونیسم کارگری باید جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم را رهبری و سازماندهی کند؟ پس چرا این همه حساسیت؟ در پاسخ باید به ظرایف این بحث اشاره کرد. پاسخ روش است: این حساسیت ناشی از

کمونیسم کارگری ویژگی خود را در تمایز با سایر جنبشهای اجتماعی دقیق و روشن بیان کرده است. "کدام جنبش" سؤال اصلی ای بود که منصور حکمت در رساله تاریخی "تفاوتهای ما" تمایز جنبش کمونیسم کارگری را با سایر جنبشهای اجتماعی تبیین و تعریف کرد. یک دهه تلاش کمونیسم منصور حکمت بر این امر استوار بود تا جایگاه و مکان اجتماعی کمونیسم را از حوزه اجتماعی چپ رادیکال و سرنگونی طلب و غیر کارگری ایران به مکان اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر انتقال دهد. نقد مارکسیسم انقلابی علیرغم جایگاه و اهمیت تاریخی اش اساسا از این مکان بود. مارکسیسم انقلابی جریان حزبی و سازمانی کمونیسم کارگری ایران نبود. هر چند که ارتدکسی مارکسیسم و تعبیر پراتیکی از مارکس را در خود داشت، هر چند که استنتاجات بسیار عمیق و رادیکالی از نقد سرمایه ارائه میداد اما به لحاظ اجتماعی این جنبش کماکان جنبش طبقه اجتماعی دیگری بود. از اعتراض کارگر نشأت نگرفته بود و بعضا مشغله اش سوخت و ساز این جنبش در تمامی ابعادش نبود. از این رو روشن است تعرض و دوری از کمونیسم کارگری هم نمیتوانست و نمیتواند بدون تغییر در این مکان اجتماعی و تعلق جنبشی صورت گیرد.

خط جدید حاکم بر حزب کمونیست کارگری یک چرخش و دوری همه جانبه از سنت کمونیسم کارگری و جا افتادگی هر چه بیشتر در چهارچوبهای سیاسی و فکری چپ سنتی و پوپولیستی است. حتی رجعتی به چهارچوبهای ضد پوپولیستی جریان مارکسیسم انقلابی نیست. این یک خط انحلال طلبانه "کمونیستی" است. انحلال طلبانه به این اعتبار که پرچمدار مستحیل کردن جنبش کمونیسم کارگری در جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم است. حل کردن هویت کمونیستی و جنبشی این حزب در جنبش سرنگونی مجرای اصلی چنین چرخش و تحولی در این راستا به رهبری فکری - سیاسی حمید تقوایی بود. بطوریکه امروز تشخیص و تمایز هویت سیاسی

کار از طریق وحدت با طرفداران بازار آزاد و آمریکا و سلطنت و اسلام پاستوریزه بدست نیاید. در نتیجه ما مردم را به اردوی سیاسی خودمان دعوت میکنیم. به اردوی کارگران، اردوی کمونیسم، اردوی آزادی کامل و همه جانبه فرد و جامعه. این به معنی انزواطلبی سیاسی و بدعنی با سایر جنبشهای سیاسی نیست. برعکس هر قدر ما حرف مستقل خودمان را روشن تر بیان کنیم و آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود را بدون شبیه تر تبلیغ کنیم، امکان پیدا میکنیم بدون دامن زدن به توهمات سیاسی در میان مردم، با هرکس تا هر جا همراه میشود راه بیائیم. ما طرفدار رشد فرهنگ سیاسی و فرهنگ حزب در ایرانیم. ائتلاف، سازش، جبهه، وحدت عمل و غیره وقتی جای خود را در سیاست ایران پیدا میکند که تعیین حزبی و جنبشی در جامعه و بویژه تفکیک آرمانی و برنامه ای احزاب در سطح پیشرفته ای قرار گرفته باشد. اول باید اردوهای سیاسی ایران معاصر بدرستی تعریف شود تا بعد بشود از جبهه بندی های تاکتیکی میان آنها صحبت کرد." (منصور حکمت: مردم باید انتخاب کنند، مرداد ۱۳۸۰)

### کدام جنبش: جنبش سرنگونی یا جنبش کمونیسم کارگری؟

سؤال اصلی و پایه ای این است: حزب کمونیست کارگری در حال حاضر نماینده کدام جنبش است؟ جنبش کمونیسم کارگری یا جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم؟ کدامیک؟ این بار بر خلاف دوره های گذشته رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری خود به روشنی به این سؤال پاسخ داده است! بحث تعلق به کدام جنبش اجتماعی پایه ای ترین و اساسی ترین مبحث کمونیسم کارگری است.

## "منشور سرنگونی"، تلاشی برای اتحاد چپ و راست...

تلاش برای مقابله با روندی است که می‌کوشد بخشی از نیروی مادی و تحزب یافته کمونیسم کارگری را به ذخیره جنبش سرنگونی طلبی تبدیل کند. این حزب را در جنبش دیگری "مستحیل" کند. دو مساله کاملاً متفاوت در این جا مطرح هستند: بحث رابطه جنبش کمونیسم کارگری با جنبش سرنگونی مقوله ای اساساً متفاوت از یکی بودن و یکی شدن با جنبش سرنگونی است. همانطور که رابطه جنبش کمونیسم کارگری و جنبش دفاع از حقوق زن مساله دیگری است. مثل اینست کسی که بگوید اساس حزب ما نمایندگی جنبش دفاع از حقوق زن است، اساساً حزب آن جنبش است. یا کسی که بگوید اساس حزب ما نمایندگی جنبش خلاصی فرهنگی است، اساساً حزب آن جنبش است. برای کمونیسم کارگری مساله این است که چه موضع و چه نقشی باید در قبال جنبش سرنگونی و یا در قبال جنبشهای متفاوت اجتماعی اتخاذ کند. چگونه آنها رهبری و سازماندهی کند. مقوله رهبری و سازماندهی با یکی شدن دو امر کاملاً متفاوت است. برای خط پوپولیستی رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری مساله این است که جنبش سرنگونی جنبشی است که اساس فعالیت حزبی اش را تشکیل میدهد. حزبش "نماینده" این جنبش است. برای کمونیسم کارگری مساله تعیین روش و شیوه برخورد به یک جنبش اعتراضی سرنگونی طلب در محدوده زمانی مشخصی است. برای خط پوپولیستی حککا مساله اما حل شدن در این جنبش است. مساله کمونیسم کارگری رهبری جنبش سرنگونی و تامین هژمونی سیاسی بر این جنبش از جایگاه مصالح جنبش کمونیسم کارگری است، مساله بر سر سازماندهی و رهبری است. در این راستا مردم باید انتخاب کنند. انتخابی بین چپ و راست؟ انتخابی میان دو افق متفاوت

اجتماعی. انتخابی میان دو پرچم! این دو برخورد کاملاً متفاوت است. دو سیستم متفاوت است. واقعیت این است که جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم جنبشی در ادامه و امتداد جنبش کمونیسم کارگری نیست. جنبش کمونیسم کارگری بزرگتر شده نیست. جنبشی متفاوت است. جنبش توده های مردمی است که رژیم اسلامی را نمیخواهند. جنبش نسلی از مردم است که برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی و خلاصی از اسلام و فرهنگ اسلامی به تحرک در آمده است. این جنبش یکدست نیست. یک جنس نیست. این جنبش دارای نیروهای متفاوتی است. نیروهای اجتماعی که هر کدام سرنگونی رژیم اسلامی را گام و حلقه ای برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود میدانند. اتفاقاً یک مساله اساسی و مهم جدال میان افق ها و آلترناتیوها و چشم اندازها در این جنبش است. مساله ما این است که ما میکوشیم در صف مقدم این جنبش حضور داشته باشیم، پرچم سلبی و سرنگونی طلبی خودمان را در این میدان به اهتزاز در آوریم. اما ما نماینده تمام این جنبش نیستیم. نماینده خودمان در این جنبش هستیم. در هر حال و زمانی نماینده جنبش خودمان هستیم. همانطور که ما صدای زنی هستیم که میخواهد آزاد شود، اما نماینده تمام جنبش دفاع از حقوق زنان نیستیم. در این جنبش حضور داریم. پرچمدار رادیکال و پیگیر و تمامی آزادی و برابری هستیم. اما نماینده تمام این جنبش نیستیم. این جنبش دارای گرایشات و جناحهای مختلف است. بعضاً راست و ناپیگیر. بعضاً نیروهایی که به جنبش ملی - اسلامی یا راست ناسیونالیستی تعلق دارند. ما پرچمدار مبارزه

قاطع علیه مذهب هستیم. مذهب ستیزیم، سکولاریسم، اما نماینده تمام جنبش سکولاریستی نیستیم. اساساً حزممان نمایندگی کردن سکولاریسم نیست. این جنبش در عین حال در برگیرنده نیروهای راست و ضد کمونیستی هم هست.

لیدر حککا دچار اشتباه مفهومی و بی دقتی کلامی نشده است زمانیکه ادعان میکند حزبش اساساً نماینده جنبش سرنگونی است. ایشان به طور دقیقی به این سؤال پاسخ داده است. بی جهت نیست زمانی که به تاریخ افول و صعود این خط در سنت تحزب کمونیسم کارگری دقیق میشویم متوجه یک رابطه نعل به نعل و پیوسته ای میان تحولات این خط و موقعیت افت و خیز جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم در جامعه می شویم. چگونه؟

با پیدایی جنبش دوم خرداد، در واکنش به اعتراضات سرنگونی طلبانه توده های مردم، ما شاهد تحرک و عروج مجدد خط چپ پنجاه و هفتی شدیم. این خط با این تقلاها دوباره تکانی خورد و به میدان آمد و در حزب کمونیست کارگری مجدداً فعال شد. شاه بیت مباحث و تلاش حمید تقوایی در این دوره "قرار دادن جنبش سرنگونی بر روی میز کمونیسم کارگری بود!" تلاقی و همسویی تلاش کمونیسم کارگری در این دوران و وظایفی که در قبال جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم برای کمونیسم ایجاد شده بود در دوره ای اجازه نداد که نگرش متمایز و ویژه این گرایش به روشنی و همه جانبه نقد شود. بعلاوه تا زمانیکه منصور حکمت در قید حیات بود این خط کاملاً حاشیه ای بود. نقدهای منصور حکمت به خط فکری حمید تقوایی گوشه ای از واقعیت این جدال را نشان میدهد. مرگ نابهنگام منصور حکمت، شکل گیری و ارائه سیاستهای "راست" توسط کورش مدرسی، و گرد و خاک ایجاد شده در این دوران در تعیین "لیدر" حزبی، تمایزات خط "رادیکال" حمید تقوایی را با خط کمونیسم کارگری را برای دوره ای در پرده ابهام قرار داد. در شرایطی که خطی در حزب سیاست

"نافرمانی مدنی" و "مجلس موسسان" و "دولت ائتلافی" را مطرح میکرد، خطی که از سرنگونی کامل قاطعانه دفاع میکرد، میتوانست در تقابل با این خط برای خود "مشروعیتی" دست و پا کند.

اما این خطوط شناخته شده قدیمی و متمایز با کمونیسم کارگری برای اینکه بتوانند در یک حزب کمونیستی کارگری و چهارچوبهای انتقادی محکم آن خود را مطرح کنند، باید با "رادیکالیسم" دیگری به میدان می آمد. جنبش سرنگونی طلبی تمام این ویژگی ها را در خود داشت. "رادیکال" و سرنگونی طلب. از این رو این خط در تداوم خود به ارائه تبیین همه جانبه از جنبش خودش، جنبش سرنگونی، پرداخت. تعریف جنبش سرنگونی به مثابه یک جنبش واحد و "همه با هم" و تماماً "انقلابی" و بعضاً "سوسیالیستی" یک ویژگی دیگر این انحلال طلبی پوپولیستی حاکم بر حککا است. باید از این جنبش علیرغم قطب بندیهای متفاوتش و به جنبشهای متخاصم اجتماعی یک تصویر واحد و یکسانی بدست داده میشد. تصویری "انقلابی" و "سوسیالیستی" و "چپ"! مهم نیست که سیاست رسمی حزب کمونیست کارگری در زمان منصور حکمت این بود که "اردوی سرنگونی طلبی در ایران، که ابتدا یک اردوی یک دست و "همه با هم" نیست و نخواهد ماند" (منصور حکمت، جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز میشود). در زمان حمید تقوایی بر عکس این حزب باید اعلام میکرد که این جنبش تماماً انقلابی است، یکدست است، "همه با هم" است، و آلترناتیو حکومتی واحدی را می پذیرد! یک رکن جا انداختن چنین سیاستی در حزب کمونیست کارگری بر این ارزیابی استوار است که این جنبش را امتداد جنبش کمونیسم کارگری قلمداد کند. اعلام کند که حزب متبوع ایشان تنها نیروی سرنگونی طلب در جامعه است؟! سکتاریسم مفرط یکی

اجتماعی کند، پرچمدار انحلال طلبی کمونیستی شده است.

ما حق داشتیم این خط رهبری حزب کمونیست کارگری را نقد کنیم. ما حق داشتیم علیرغم سختی راهی که در مقابلمان بود، اعلام کنیم که حزبی که حزب سازمانده و رهبر نباشد، حزب جنبش کمونیسم کارگری نباشد، به جایی نمیرسد! حزب اتحاد کمونیسم کارگری در پاسخگویی به این نیاز حیاتی کمونیسم کارگری و جامعه شکل گرفته است.\*

## "منشور سرنگونی"

### تلاشی برای اتحاد چپ و راست...

سرمایه داری طبقه کارگر و این حزب در این دوران نیست؟! این سئوالی است که این حزب به آن عملاً پاسخ منفی داده است. بی جهت نیست که رهبری این حزب اعتراضات ناسیونالیست قوم پرست در آذربایجان را "نطفه انقلاب" نامید. به این انحلال طلبی نمیتوان جایزه داد! و بالاخره اگر حکک از نظر تبئین تفاوت و تفکیک چندانی میان خود و جنبش سرنگونی نمیبیند، از نظر عملی اما حکک نه "رهبر" این جنبش بلکه دنباله رو و عمدتاً در حاشیه نیروهای راست است.

زمانی منصور حکمت این سؤال را در مقابل حزب کمونیست کارگری قرار داد: "سؤال دوم این است که اگر این نیروها و مطالبات و تمایلات را دور خود جمع کردیم، چه تضمینی هست حزب آنها نشویم. فقط حزب آن کارها نشویم." این سؤال واقعی بود. یکی از مسائل و مخاطرات پیشروی بود. اکنون بعد از ۶ سال میتوان به این سؤال پاسخ داد! واقعیت تلخ و دردناکی است که شاهد این باشیم که حزبی که منصور حکمت پایه گذاری کرد، اکنون بنا به ادعای رهبری کنونی اش حزب جنبش دیگری شده است. حزبی که قرار بود روی رادیکالیسم اش توده ای شود، حزب جنبش سرنگونی شده است. حزبی که قرار بود پرچمدار نقد عمیق و همه جانبه مذهب باشد، حزب مسلمانان سابق شده است. حزبی که قرار بود روی رادیکالیسم و ماکزیالیسم اش توده گیر شود، حزبی که قرار بود کمونیسم کارگری و آرمانها و ایده الهای انقلاب کارگری را توده ای و

از عوارض فرعی و خفیف چنین سیاستی است. خلع سلاح کمونیسم کارگری در قبال راست بورژوازی خطر اصلی چنین سیاستی است. حذف جریانات دست راستی و سرنگونی طلب که اتفاقاً با روشن شدن ناتوانی رژیم اسلامی در سرکوب کمونیسم و کارگر به تلاشهای خود برای جایگزینی رژیم اسلامی می افزایند تا از موضع "قدرت سیاسی" و حاکمیت در مقابل طبقه کارگر و کمونیسم صف بندی کنند، از صفوف اردوهای متخاصم سرنگونی طلب، مساله تعیین کننده چنین گرایش انحلال طلبانه ای است. این خام انگاریها همه ناشی از تلاش برای جا انداختن سیاست نیرویی است که هم و غمش اساساً جنبش سرنگونی است! از این رو ناچار است کمونیسم را در جنبش سرنگونی مستحیل کند!

نتایج این حرکت تاریخی را حمید تقوایی به طرز خیره کننده ای جمع بندی میکند: "فکر میکنم که هر آدم سیاسی که اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را بشناسد متوجه میشود که نمیتوان تفکیک چندانی بین حرکت و جنبش سرنگونی مردم و کل حرکت چپ و حزب کمونیست کارگری قائل شد، و بعبارت دیگر براحثی میتوان دید که نبض این هر دو تاحد زیادی باهم میزند و هر دو اینها تاحد زیادی یک جهت را دارند طی میکنند." (همانجا) برآستی از نظر تبئین هم تفاوت و تفکیک چندانی میان این جنبش و حزب کمونیست کارگری در دوره حاضر نیست. و تاسف این است که چرا نیست؟ آیا تفکیک چندانی هم میان این حزب و جنبش اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر نیست؟ آیا این حزب میتواند مدعی باشد که هر آدم سیاسی متوجه میشود که نمیتوان تفکیک چندانی بین حرکت و جنبش اعتراض ضد

### جنایت وحشیانه دولت عراق

#### علیه ساکنین اردوگاه اشرف را محکوم میکنیم!

یورش وحشیانه ارتش دولت عراق به نیروهای غیر مسلح سازمان مجاهدین خلق در اردوگاه اشرف تاکنون بیش از ۳۰ نفر کشته و حدود ۳۰۰ تن زخمی بجا گذاشته است. شرایط زخمی ها و سایر ساکنین این کمپ بشدت وخیم است.

باید با تمام قوا جلوی این فاجعه انسانی و قتل عام را گرفت. دولت عراق را باید تحت بیشترین فشارهای بین المللی برای توقف فوری کشتار و اذیت و آزار ساکنین این اردوگاه قرار داد.

باید سازمان ملل و سایر مجامع بین المللی را تحت فشار قرار داد تا ترتیبی داده شود که تمامی افراد ساکن این اردوگاه بتوانند بمتابه پناهنده سیاسی به کشور سومی بر اساس انتخاب خودشان منتقل شوند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری این جنایت وحشیانه دولت عراق را که در همدستی با رژیم آدمکشان اسلامی در ایران صورت گرفته است، عمیقاً محکوم میکند. آمرین و عاملین این کشتار نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی باید به جرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند.

دور نیست آن روز که توده های بپاخوایسته مردم در عراق و ایران بساط این جنایتکاران را برچینند!

#### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۹ فروردین ۱۳۹۰ - ۸ آوریل ۲۰۱۱

## تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر

### کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر

### تغییر آنست!



## با یکی از کارگران کارخانه مهیار سنگ شکن قلعه حسن خان تهران

**کامران پایدار:** سلام و خسته نباشید و تشکر از همراهیتان. در این گفتگو، قبل از هر چیز مایلم بچثمان را در باره خود کارخانه مهیار سنگ شکن شروع کنیم. کارخانه در کجا واقع است، چند نفر کارگر در این مرکز صنعتی مشغول به کارند، تولیدات کارخانه چیست؟

**کارگر مهیار سنگ شکن:** کارخانه مهیار سنگ شکن در شهر قدس (قلعه حسن خان واقع است) دفتر مرکزی شرکت در ابتدای خیابان آزادی است و بیش از 60 نفر کارگر در اینجا مشغول به کارند. خط تولید کارخانه هم در زمینه تولید و صدور انواع ماشین آلات و ابزار و وسایل حفاری معدن از قبیل سرنده، واگن و خط نقاله و... میباشد.

**کامران پایدار:** مگر تولیدات این مرکز غیر مصرف داخلی ایران به جای دیگری هم صادر میشود؟

**کارگر مهیار سنگ شکن:** بله، بخش بیشتری از تولیدات غیر از فروش در بازار داخلی در بازار برخی از کشورهای منطقه از قبیل عراق، پاکستان، اوکراین، بلاروس و... بازار پر فروش و پر رونقی دارد. عباسی مالک و مدیر کارخانه با بهره برداری از این بازار گرم سودهای میلیاردي به جیب میزند.

**کامران پایدار:** کارگران چی؟ وضع و شرایط کاری کارگران چگونه است. آیا رسمی هستند؟ آیا قراردادی یا پیمانکاری هستند؟

**کارگر مهیار سنگ شکن:** با پوز خندی! ببخشید اگر کارگر رسمی یا قراردادی رو دیدی سلام ما 60 نفر کارگر را که در اینجا عین

بردگان عهد عتیق کار میکنیم برسان! در واقع ما بردگان مدرن هستیم، عجب خیال باطلی، کار رسمی و قرار دادی کجا بود در اینجا؟ همه ما کار میکنیم در تحت امر جناب عباسی، قانون کار را خودش تعیین میکند، خودش ناظر و مجری قوانین من درآوردی از جنگل بدتر علیه کارگران است و بموقع خودش هر وقت احساس خطر کند، باز این خود همین عباسی مارمولک است که زیر همین قانون هم میزند. ببینید در اینجا ما کارگرانی داریم بطور متوسط با سوابق کاری از یک تا ده سال، اما نه کسی رسمی است و نه کسی قرار دادی دارد، همین طور فی سبیل اله کار میکنیم. هیچ تضمینی هم نیست. هر وقت دلشان بخواهد عذرمان را میخوانند. روز اول استخدام عوامل کارفرما لفظا به هر کارگری میگویند: دستمزد، ساعت کار و شرایط کار و... بر اساس قانون کار، بر اساس قانون کاری که ما که هنوز نفهمیدیم چی هست قرار دارد و شرایط معینی ایدا در کار نیست فقط ماهی 300 هزار تومان عین صدقه به هر کارگری میدهند. البته اگر آن را هم بموقع بپردازند. در ازای دریافت این 300 تومان سگی کارگر بنده و برده زر خریدی است که فقط باید بگوید چشم.

**کامران پایدار:** متوجه نشدم آخرش بین شما و عباسی چی هست که شرایط و توافق کاریتان را معین و روشن کند؟

**کارگر مهیار سنگ شکن:** ببینید، بین ما کارگران و عباسی هیچی نیست، خدا هم که دروغه تا شاید این وسط بین ما شاهد و ناظر بر جنایت

عباسی بر علیه ما و خانواده هایمان باشد، میدانید تازگیها نه در اینجا بلکه در بسیاری از کارخانه ها و مراکز صنعتی مد شده که قرارداد فرمایشی هم بین کارگر و کارفرما نباشه! کدام قرارداد؟ حتی همین فرار دادهای ناعادلانه و تبعیض آمیز. آره، مسئله اینجاست تازگیها بسیاری از کارفرماها و سرمایه دارها فهمیده اند که اگر همینطور کارگر را در شرایط مبهم و مخدوشی استخدام کنند برایشان سود آورتر و بهتر است چون در این شرایط آب به اندازه کافی گل آلود شده. در این موقعیت کاری که همه چیز موقتی و پا در هوا و مبهم است و کارگر گرسنه و محرومی که برای نان شب و اجاره خانه اش درمانده شده و در کنجی در بن بست قرارش داده اند و راه پس و پیش نگذاشته اند، فقط باید به کارفرما و امثال این عباسی بگوید چشم! در یک کلام کارگر را در شرایطی مابین کار روز مزدی و قراردادی اسیر کرده اند. کارگر در این شرایط وحشیانه و غیر انسانی نه روزمزد است نه قرار دادی، نه در پایان روز میتواند دستمزدش را بخواهد و نه در پایان ماه کسی به او جوابگو میشود و حقش را میدهد، این سرمایه دارها و حکومت، این بیشرقهها با زیرکی خاصی کارگر را در برزخی از ابهام و سرگردانی، ترس از بیکاری و فردا، ترس از گرسنگی و فقر بیشتر محاصره کردند. در این اوضاع فلاکتبار کارگر باید بگوید چشم، برایشان سودهای میلیاردي بیافریند و آنقدر کار کند تا در بیماری و فقر بمیرد.

**کامران پایدار:** از امکانات رفاهی و بهداشتی و شرایط ایمن کار چی، آیا خبری هست؟

**کارگر مهیار سنگ شکن:** عجب حرفهای قشنگی، آدم اولش فکر میکنه این حرفها رو از پشت ویترین مغازه های بالای شهر آوردن! رفاه، بهداشت، شرایط ایمن کار و... همه اینها فدای یک تار موی عباسی و عیاشی هایش. در اینجا آنقدر اوضاع بی ریخته که آگه کارفرما حتی شک کند که همچین افکاری در ذهن کارگر میچرخد فوراً اخراجش میکنند، عذرش را

میخواهد تا از شرش در امان باشن. در اینجا ساعت کار از 30/7 صبح شروع میشه تا 30/4 عصر و از 30/4 هم اضافه کار اجباری داوطلبانه!! شروع میشه تا 8 شب. بعبارتی ساعت کار از اول صبح تا شب ادامه دارد، از نهار خبری نیست اگر غذای بنجل و بی کیفیتی هم که بسیار مواقع منجر به مسمومیت میشود به کارگر بدهند در پایان ماه چند برابرش را از دستمزدش کسر میکنند، امکانات و سرویس بهداشتی و سرویس ایاب و ذهاب همه در حد صفر. فقط باید چها نعل کار کنی و کار کنی. در اینجا 2 تا انبار داریم، و بخشهای دیگر عبارتند از کارگاه تراشکاری، جوشکاری و اتاقت رنگ. کارگران عین بردگان اردوگاههای کار اجباری در این قسمتها اجیر شده اند. هیچکس گذر زمان و آسمان را نمیبیند. برای در امان ماندن از نگاههای زهر آلود کارفرما و کنترلرها باید با جدیت کار کنی و شش دانگ حواست به کارت باشد. اتلاف و اسراف وقت حتی برای رفع حاجت و دستشویی بر علیه کارگر بعنوان یک امتیاز و پوئن منفی محاسبه میشود. از اینجا بگیرید تا همه جا، کارگرانی که در هر بخش کار می کنند به بیماریهای و عوارض خاص آن کار مبتلا هستند. کارگران اتاقت رنگ به دلیل استنشاق بوی رنگ و انواع مواد شیمیایی مضر و خطرناک و غیر استاندارد عمدتا به انواع بیماریهای تنفسی از آسم و آلرژی گرفته تا برونشیت و تنگی نفس و... مبتلا هستند. کارگران جوشکار بدتر از این، حتی به دلیل نبود یک ماسک ابتدایی و مناسب بسیاری از این کارگران در تمام شبانه روز از چشم درد رنج میبرند و ساعات پایانی شب را هم باید با سیب زمینی رنده شده ای که روی چشمشان میگذارند به صبح برسانند. بدتر از این، ببینید، در عمل جوشکاری هم بخشی از الکتروود و هم بخشی از فلز قطعه کار ذوب میشوند. دودی که از جوشکاری متصاعد میشود انباشته از ذرات بسیار ریز و معلق فلز است. این دود و این ذرات معلق



## زنگها برای که به صدا در میاید!

احمد بابانی

صدای شیپور تدارک چپان سرمایه، قشون کشان حکومت جهل اسلامی و آماده باش حمله به سفره تهی از نان کارگران را شنیدید؟

میگویند به اول ماه مه نزدیک میشویم، زنگها به صدا در آمدند! امسال را به خاطر بسپار. وقتی که در تونس خیزش انقلابی کارگران و مردم حکومت استبدادی را بزیر کشیدند، وقتی که در مصر تونس تکرار شد، امسال را به خاطر بسپار.

وقتی کارگران انقلابی فرانسه علیه ریاضت کشی اقتصادی سرمایه داران مقاومت کردند و زنگها علیه فقر، علیه نابرابری، در سرتاسر دنیا به صدا در آمدند. سرمایه داران گفتند ما بار بحرانمان را بر کرده شما خالی میکنیم، سالها قبل به من و تو گفته بودند. رفیق من، تو گفתי مقاومت می کنی!

کارگران دنیا گفتند مقاومت می کنیم و می جنگیم. خیلی ها باور نکردند. و اینگونه بود که زنگها بصدا در آمدند و جنگ علیه فقر و نابرابری، علیه نظام استثمارگر و سرکوبگر سرمایه داری، و برای برقراری آزادی و برابری و رفاه آغاز شد. نه، در ابعاد جدید و وسیعی ادامه پیدا کرد.

رفیق من! بیایم به تدارک اول اول ماه مه برویم. بسراغ کارگران در کارخانه و محل زندگی برویم. تنها سلاح ما اتحاد و تشکل ماست. امروز باید به قدرت توده ای مان در قالب مجامع عمومی و شوراهای کارگری متکی شویم. ما تنها با اتکا به قدرت متشکل و واقعی و مستقل مان میتوانیم توازن قوا را به نفع کارگران و جنبش مان برای آزادی جامعه تغییر دهیم.

کارگران اگر به قدرتشان شکل بدهند بورژواها و کارفرماها جرات ندارند هر روز به ما ببحرمتی کنند و نان مان را گرو بگیرند. یادم هست بیست سال پیش، وقتی که در ایران خودرو کار میکردم. کارگران کارگران به همت اتحاد خود تدارک یک اعتراض وسیع علیه قطع سهمیه پیکان را سازمان دادند. یا وقتی در ایران تابر چگونه مدیر عامل بنیاد مستضعفان را به زیر مشت و لگد گرفته بودند. ما هر زمانی متحد بودیم جلو رفتیم.

برای آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی تدارک ببینیم. برای بلند کردن فریاد نه به فقر و گرانی، برای آزادی بی قید و شرط تشکل، برای رفع نابرابری و تبعیض علیه زنان، برای گسترش جنبش افزایش دستمزدها و لغو کار قراردادی تدارک ببینیم. باور کن این کار ماست. جامعه به تحریک قدرتمند ما کارگران چشم دوخته است. امسال را باید به سال کنترل کارگری بر کارخانه ها تبدیل کنیم. باید برای سوسیالیسم و حکومت کارگری تدارک ببینیم. این عملی است و در توان ماست.

در نبرد به وسعت یک جامعه نیاز به تدارک به وسعت یک جامعه داریم. رفقای کارگر، همزمان! برای استقرار آزادی، برابری و حکومت کارگری به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید. \*

## با یکی از کارگران کارخانه مهیار سنگ شکن قلعه حسن خان تهران...

سوئیت 30 متری بدون امکانات را هم اجاره نمیدهند. تا برای مابقی خرج و مخارج زندگی چه باید کرد معلوم نیست.

**کامران پایدار:** میگویند شهر قدس (قلعه حسن خان) یکی از مراکز صنعتی کارگری تهران است. قلعه حسن خان چگونه جایی است؟

**کارگر مهیار سنگ شکن:** بله، قلعه حسن خان در جنوب غربی تهران و در نزدیکی شهریار و کرج واقع است. در اینجا صدها کارخانه و کارگاه تولیدی کوچک و بزرگ توسط سرمایه داران نو کیسه و جویای سود و در بسیاری موارد توسط کاربدستان و سران آدمکش حکومت اسلامی عین قارچ در همه جا سبز شده اند. این کارخانه ها و مراکز تولیدی شاید دهها هزار کارگر را بطور شبانه روزی به کار گرفته اند. هر روز در گرگ و میش صبح، در تاریکای هوا دسته دسته از کارگران با عجله و اضطراب میکوشند تا برای چندر غاز دستمزدهای ناچیز و برای زنده ماندن خود را به کارخانه های بیرحم و دود آلود برسانند و باز هم در پایان روز و در تاریکای هوا دسته دسته کارگرانی را میبینی که بر اثر خستگی و فشار کار عین آدمها ی مست و بی اراده در حالیکه تعادل ایستادن و راه رفتن هم ندارند به خانه هایشان به کاشانه های فقر و بیماری باز میگردند. در اینجا هیچ قانون و حساب و کتابی در کار نیست. اینجا جهنم استثمار وحشیانه کارگران و بهشت سود آفرینی است برای سرمایه داران و عوامل حکومت اسلامی.

فلزی بسیار ریز به هنگام تنفس وارد دستگاه تنفسی کارگر شده که میگویند در دراز مدت سرطان زاست و در کوتاه مدت کارگر به انواع بیماریهای تنفسی و ریوی مبتلا میشود.

**کامران پایدار:** گفتید اضافه کار اجباری و داوطلبانه، این یعنی چه؟

**کارگر مهیار سنگ شکن:** اضافه کار همیشه اجباریست. ببینید آخر کدام دیوانه است که حاضر شود بعد ده دوازده ساعت کار سنگین و فرساینده که همه انرژی را هم از دست داده باز هم دوباره در کارخانه بماند و کار کند؟ اجباریست چون کارفرما میخواهد اینطوری سقف تولید بالا بره تا سود بیشتری بیره و کارگر علاقه و انگیزه ای ندارد، حالا داوطلبانه یعنی چه، ببینید با این دستمزدهای 300 هزار تومانی و با این گرانی و تازه از همه بدتر با طرح جنایتکارانه حذف یارانه ها و سوبسیدها که حکومت اسلامی از این راه میلیاردها میلیارد پول به جیب میزند، با این تورم و گرانی سر سام آور کارگر را در شرایطی گذاشته اند که بگوید اضافه کار میمانم. شاید کمی دستمزد اضافه شود، شاید اینطوری زندگیم بهتر بچرخد.

**کامران پایدار:** آیا دستمزدهایتان را بموقع می پردازند؟

**کارگر مهیار سنگ شکن:** هم آره و هم نه، هر طور دلشان بخواهد با ما رفتار میکنند، تازه با ماهی 300 هزار تومان هم مگر میشه زندگی کرد؟ در همین قلعه حسن خان، در شهریار و شهرک اندیشه در فلاح و سه راه آذری هم که جز حاشیه های جنوب شهر تهران بحساب میاید با این پول حتی یک

\*\*\*

## اعتراضات کارگران در عسلویه

پیمانکار از کارگران کتک خورد!



گذاری کنند و بعضا درگیریهایی را هم ایجاد کردند. اما این مربوط به دوره اول این منطقه صنعتی بود. میتوان و باید بین کارگران منتسب به خارجی و ایرانی اتحادی طبقاتی علیه کارفرماها و سرمایه داران ایجاد کرد و هر تحریک ملی و ناسیونالیستی و ضد کارگری را در نطفه خفه کرد. دشمن کارگران سرمایه و حکومتش است و نه کارگر و مهاجری که حتی به نام کارگر و برده مزد هویتش را انکار میکنند تا تحت هر شرایطی و با گرو کشی بتوانند علیه بغل دستی اش بکار گیرند. کارگران بسیار هوشیارتر از آنند که فریب این سیاستهای عقیمانده را بخورند و دشمن را عوضی نمیگیرند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۱ آوریل ۲۰۱۱

"توریست" از فرانسه، فعلا شش الی هفت نفر، را آوردند تا بعنوان متخصص در قسمتهایی بکار گیرند؟! این اقدام که تتگناهای حکومت و کارفرما را در نیاز به کارگران متخصص نشان میدهد، در عین حال دو هدف را تعقیب میکند: اول، از این کارگران "توریست" شده بعنوان ابزاری علیه هم طبقه ای هایشان استفاده کنند و نقش اعتصاب شکن را بعهده شان بگذارند. و دوم، تدریجا با این سیاست جایگزینی بتوانند امکان اخراج کارگران را فراهم و اتحاد کنونی شان را نابود کنند.

در این زمینه کارگران عسلویه تجارب غنی دارند. قبلتر کارفرماها و پیمانکاران برای ایجاد تفرقه در میان کارگران موفق شده بودند روی دسته بندی کاذب "کارگران خارجی" و "کارگران ایرانی" و حتی تعصبات عقب مانده تر سرمایه

کارگران عسلویه بعد از یکدوره کشمکش و اعتصاب و اجتماع در ده فاز و همینطور تلاشهای کارفرما و پیمانکاران در تهدید و ارباب کارگران، قراردادهای کار را با ۱۶ درصد افزایش دستمزد طی دو ماه و پرداخت فوری سنوات و عیدی و مزایا امضا کردند. اما کشمکش کارگران در پالایشگاههای عسلویه برسر خواستههای رفاهی و افزایش دستمزدها ادامه دارد.

در این منطقه صنعتی و متمرکز پتروشیمی ها و پالایشگاههای تولید گاز و مشتقات نفتی و صدور آن، که پروژه هایش اساسا در اختیار شرکتهای پیمانی نفت و گاز سپاه پاسداران است، به نیروی متخصص نیاز مبرم وجود دارد. یکدوره تلاش کردند با اخراج کارگران متخصص لایه دیگری را با تخصص کمتر جایگزین کنند. بسرعت معلوم شد که این سیاست "اقتصادی" نیست و ضررش از نفعش بسیار بیشتر است. لذا نیاز به نیروهای فنی و متخصص در پی ضررها الزامی شد. از طرف دیگر و همزمان تلاش میکنند با تحمیل شرایط کار سنگین و حقوق پائین و زندگی برده وار، کارگران متخصص را در یکی از مهمترین مجموعه های صنعتی به کار وادارند.

روز ۱۸ فروردین اعتراضات کارگران بار دیگر شروع شد و فضای نارضایتی در گوشه گوشه پالایشگاهها تا خوابگاهها و غذاخوری دیده میشد.

روز ۱۹ فروردین کارگران مکررا به وضعیت عمومی نامناسب کمب اعتراض کردند. در اینروز کارگران در غذاخوری اعتراضشان را به وضعیت بد غذا با هو کردن مسئولین نشان دادند. با اینحال مانند روزهای گذشته و نامه نگاریهای کارگران برای کارفرما در مورد خواستههایشان، کارفرما به این اعتراض کارگران بی اعتنائی کرد.

روزهای ۲۰ و ۲۱ فروردین رانندگان گروه فیکس وارد اعتصاب شدند. کارگران با این اعتصاب اعتراضشان را به وضعیت قراردادهای نشان دادند.

روز ۲۱ فروردین هنگام صرف ناهار در رستوران، کارگران از وضعیت بد غذا و نحوه سرو آن عصبانی شدند و اعتراض کارگران در غذاخوری به بحث و کشمکش با پیمانکار و عواملش منجر شد. در این فضا و در پی بی اعتنائی و بی احترامی پیمانکار به کارگران، پیمانکار از دست کارگران کتک خورد. این

## کتاب

### کنترل کارگری

را از سایت حزب دریافت و

توزیع کنید!



## نه به

## سیاست ریاضت اقتصادی!

اعتراضات اجتماعی همه و همه مستقیماً روی یک نقطه می چرخند: نا کارآمدی و بی ربطی دولت های نظام سرمایه داری به رفاه و آزادی مردم حتی در اروپا!

امروز افسانه دولت های بی بحران سیاسی در اروپا به سر آمده است. اعتراضات اجتماعی-سیاسی- کارگری در دل اروپای به ظاهر آزاد هر روز بیشتر و بیشتر می شود. به نقل دست راستی ترین نماینده های دولت سرمایه داری که خود اعضای کابینه هلند باشند پاسخی برای وضع موجود وجود خارجی ندارد. مردم باید صرفه جویی کنند و با دولت مدارا کنند!

امروز هزاران فعال دانشجویی در ادامه سخنرانی راهپیمایی اعتراضی در پایتخت هلند شهر لاهه برگزار کردند. شعارهای نه به دولت نه به کابینه! طبقات پایین اجتماع اشغال نیستند انسان هستند! با بنرهای رنگارنگ آذین بخش شهر لاهه بودند.

واحد هلند حزب اتحاد کمونیسم کارگری نیز در این اعتراض وسیع دانشجویان به دولت هلند شرکت کرد. حزب اتحاد کمونیسم کارگری در هلند به فعالین عرصه اعتراض به سیاست های ضد رفاهی در هلند درود میفرستد. این آغاز یک جنبش عظیم اجتماعی سیاسی برای مقابله با سیاست های ریاضت کشی دولتهای سرمایه داری در دل اروپاست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری-  
واحد هلند

۱۲ آوریل

امروز ۱۲ اپریل به فراخوان حزب کارگر و حزب سوسیالیست و سازمان جوانان سوسیالیست در هلند هزاران دانشجوی دست به اعتراض گسترده بر علیه سیاست های ریاضت اقتصادی و صرفه جویی در بودجه دانشجویی دولت هلند در شهر لاهه زدند. ابتدا معترضین یک پانل سخنرانی در مقابل پارلمان هلند برگزار کردند. دولت هلند نیز مانند دیگر دولتها درگیر رتق و فتق بحران عمیق سرمایه داری است. امروز رسماً نماینده های دولت در مجلس و کابینه اعلام می کنند که کیسه دولت خالی است و هزینه این بحران را باید کما فی سابق شهروندان جامعه بپردازند.

حمله شدیدی به حقوق اجتماعی در تمام سطوح در هلند اوج گرفته است. ابتدا دولت هلند به سفره کارگران حمله کرد. حدود سیصد هزار کارگر در عرض سه ماه شغل های خود را از دست دادند. در فاز دوم دولت هلند به سراغ بیمه های بیکاری رفت و این بیمه ها را از ۱۰۰ در صد به ۶۵ درصد کاهش داد. سپس به سراغ بازنشسته ها رفتند و سن بازنشستگی را تا ۶۷ سال افزایش دادند. امروز به سراغ دانشجویان آمده اند. قرار است قسمت عظیمی از سوبسید های دولتی در قبال دانشجویان قطع شود. این در حالی است که دانشجویان در هلند از نظر درآمد مالی حقوق بسیار ناچیزی دریافت می کنند و شرایط کاری بسیار نامناسبی در حال حاضر دارند.

این امر باعث به خشم آمدن دانشجویان از سیاست های صرفه جویی اقتصادی در هلند شده است که از سه ماه پیش اعتراض های متعددی را شامل شده است که شروع این اعتراضات را دولت هلند با سرکوب و با باتوم و اسب در ماه ژانویه پاسخ داد. این



## آزادی، برابری، رفاه!





## تظاهرات بزرگ آنتی راسیستها در گوتنبرگ!

شهلا نوری



روز 10 آپریل شهر گوتنبرگ سوئد شاهد یکی از بزرگترین تظاهراتهای اخیر علیه حضور جوانان حزب دمکرات سوئد در گوتنبرگ بود!



که سگها و اسبها را دچار وحشت کرده و موجب بهم خوردن تعادل یکی از اسبها در همان لحظات اولیه مانور پلیس شد. معترضین با شعار "پلیس سوئد حامی راسیسم و سیاستهای راسیستی است" و "خیابانهای گوتنبرگ محل پرسه زدن راسیستها نیست" توجه عابریین را به خود جلب می کردند. تعداد بسیاری از عابریین در حمایت از آنتی راسیستها به تظاهرات می پیوستند. نقطه بعدی تجمع راسیستها با میله های آهنی استتار شده بود و صدها پلیس در اطراف این محل رژه می رفتند. حدود ساعت 16 نیروهای راسیستی در معیت و حفاظت کامل پلیس محل تجمع را ترک کردند.

از صبح روز یکشنبه فضای شهر گوتنبرگ بسیار ملتهب بود. حضور بیش از حد پلیس در مرکز شهر چشمگیر بود. از برنامه رادیوی یک دنیای بهتر هم فراخوان به حضور در مرکز شهر بر علیه مارش راسیستها داده شد. وقتی در محل حاضر شدم تعداد 80 نفر از اعضای جوانان حزب دمکرات سوئد را با باندولهای زرد مشاهده کردم که در میدان یوتاپلاتسن تجمع کرده بودند تا یکبار دیگر بر سیاست ضد پناهنده پذیری و نژادپرستانه خود تأیید بگذارند. در نقطه مقابل بیش از هزار و پانصد نفر از شهروندان گوتنبرگ و بخصوص نیروهای چپ تجمع کرده بودند. ساعت 14 مارش 80 نفره راسیستها در فضایی بسیار ملتهب شروع شد. پلیس سوئد در شکل و شمایل ارتش برای حمایت از مارش راسیستها ظاهر شده بود. تلاش می کرد اضافه بر دیوار کشی با پانسار واگن و خودروهای پلیس از سگها و اسبها نیز برای متفرق کردن آنتی راسیستها استفاده کند.

**نه به راسیسم!  
نه به سرمایه داری!**

**آثار منصور حکمت را  
بخوانید!**

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

این تظاهرات بار دیگر نشان داد که یک نیروی مادی اجتماعی علیه حضور راسیسم دولتی و غیر دولتی در جامعه وجود دارد و با اتکا به قدرت و مبارزه آن میشود سیاستهای دست راستی دولت سوئد را به عقب راند.

11/04/12

لینک کلیپ ها،

[http://www.youtube.com/watch?v=ViihWToEc0A&3Bfeature=player\\_embedded#at=43](http://www.youtube.com/watch?v=ViihWToEc0A&3Bfeature=player_embedded#at=43)

تعدادی از جوانان و نیروی معترض به روی زمین نشسته بودند تا از مارش راسیستها در خیابانهای گوتنبرگ جلوی گیری کنند. پلیس پیاده مجهز به باتون و سگهای پلیس و به صف کردن ده ها پلیس سوار بر اسب تصمیم داشت از میان معترضین عبور کرده و مسیر راهپیمایی نیروهای راسیستی را به محل تجمع بعدیشان هدایت کند. صدای شعار و اعتراض مردم تا حدی بلند بود

## در آستانه

کوروش سمیعی



تواند در مقابله با ناسیونالیسم و برای ریشه کنی مذهب و آپارتاید جنسی، راه حل رادیکالی بر مبنای اصول آزادی و رهایی انسان ارائه دهد!

پیروزی اما نه ساده است و نه بدون مانع. باید نیازها و پاسخهای جنبش ما جواب درخور کمونیستی بگیرند و راه پیشروی را باز کنند. تحقق کمونیسم در جهان برده داری معاصر و رسیدن به آزادی و برابری و جامعه ای خوشبخت و انسانی، نیازمند حضور قدرتمند طبقه کارگر در صحنه سیاسی است. احتیاج به رهبری کردن و شکل و جهت دادن و مسیر بخشیدن به حرکت سرنگونی خواهی و آزادی خواهانی را دارد که قرار است آخرین خیرشان، بهترین خبر برای جهان معاصر باشد.

بیش از همیشه تاریخ، امروز پیوستن به این حزب و مبارزه رادیکال سیاسی کردن، نقش تعیین کننده ای در آینده و ماهیت انقلابی دارد که در حال وقوع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری حزب این جنبش و حزبی برای انجام اینکار است. جهان در تاریکی سرمایه تنها با انقلابی ضد سرمایه میتواند از ایران تا کشورهای خاورمیانه، از جهالت مذهبی و خرافات ناسیونالیستی و آپارتاید عبور کند.

زنده باد سوسیالیسم! \*

مردم ایران، و حتا کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که امروز درگیر یک مبارزه وسیع سیاسی برای تغییر اند، برای پیروزی تمام عیار افقی به غیر از یک حکومت کارگری نمیتواند داشته باشد. حتا اگر در این روند با توجه به قدرت و دخالت دولتهای غربی و رسانه ها و تبلیغات گوناگون اردوی سرمایه بر علیه مبارزات انقلابی و شکست آن بخواهند آلترناتیو دیگری به این جوامع تحمیل کنند. اما از آنجایی که زبان استثمار و تجاوز به حقوق کارگر در تمام جهان یک زبان مشترک و یک آسیب همسو است، هیچ قدرت و نیروی سرکوبی نمی تواند خیزش و موج سرنگونی طلبی مردم را در برابر این رویداد تاریخی و عظیم و این جوشش و تلاش اردوی پرولتاریا برای غلبه بر جهان سرمایه را نادیده بگیرد.

امروز با توجه به اوضاع بحرانی در جهان، کارگران و محرومان شانس و فرصت دخالت دارند و میتوانند راه حل سوسیالیستی و کمونیستی را طرح کنند. امروز جهان می تواند بستری برای کاربردی کردن آزادی و برابری باشد. می تواند اگر محدودیتهای پیشروی این جنبش را پاسخ دهد. چون اگر برای مقابله و مبارزه در تظاهرات ها و اعتراضات خونی ریخته می شود، اگر در زندان ها و بند های سیاسی در تجاوز کده های حکومت ها آزادیخواهی مورد تعرض و شکنجه قرار می گیرد، اگر گلو و حنجره ای طناب پیچ شده به دار آویخته می شود، اصل مبارزه امری به غیر از آزادی و برابری و رفاه نمی تواند باشد، چه در ایران که جمهوری اسلامی وظیفه و ماموریت جنایت را سازماندهی می کند، چه در لیبی که قذافی سیل خون براه می اندازد و چه در مصر و یمن و سوریه و همه جا. هیچ آلترناتیو سیاسی به غیر از سوسیالیسم و کمونیسم نمی تواند جامعیت خواسته های مردم را در بر بگیرد. نمی تواند بنا به اینکه در ماهیت و مانیفست هیچ تفکر سیاسی به غیر از سوسیالیسم و کمونیسم برگرداندن اختیار انسان به انسان امر و افق پیش روی جریانش نمی تواند باشد. هیچ آلترناتیوی چون کمونیسم کارگری و سوسیالیسم نمی

کمتر و کمتر خواهد شد. رفاهی که وجود ندارد، امنیتی که در حصر و انحصار نیروی فشار بر جامعه قرار گرفته و اوضاع وخیم معیشتی و ... خود باعث این است که همان کارگر، همان شهروند تبدیل به مبارزی برای مقابله با تعرض های حکومت ها و عوامل بورژوازی شود. امر و افق این مبارزه، نه برای رسیدن به تغییر و نه برای دست یابی به اندکی رفاه، که برای به دست آوردن آزادی کامل سیاسی و اجتماعی و تحقق پذیری زندگی در جهان آزاد و برابر است.

مردمی که سالها در جامعه ای طبقاتی زندگی کردند و آسیب اختلاف قشرهای مختلف جامعه را در تقابل با خواستها و نوع برخوردشان با مسائل و حتا مخالفتها و مبارزه های خود دیدند، آیا حاضر میشوند در افق رو به روی خود حتا یک قدم به سمت آلترناتیوی مایل شوند که هنوز به حاکمیت نرسیده در پی انتخاب کاخ و قصر است و در تقویم در به روزی مناسب برای تاج گذاری؟

جامعه ای که سالهاست از آسیب مذهب و سانسور مذهبی، از خفقان مذهب و تحجر مذهبی به تنگ آمده و لطمه خورده، از اختلاف ها و نشیب های قومی و شکاف های مرز بندی شده آسیب دیده، آیا حاضر است پذیرای آلترناتیوی باشد که قرار است اسلام و مذهب را در بسته بندی دیگری تعریف کنند؟

این بحث را به هزار شکل و هزار فرم دیگر می توان پیش برد تا به این نتیجه رسید که تحولات انقلابی پیش روی

زبان و انشای استثمار و تجاوز به حقوق کارگر برای ترجمه و برداشت متفاوتی از برده داری در روز نوشت دنیای سرمایه داری، در تمام جهان به یک شیوه و یک رویکرد است. اخراج، تعویق در دستمزد، تحقیر کارگر در جامعه، کنترل زندگی و رفتارهای اجتماعی، سرکوب خواسته ها و اعتراضات و ...

همه این موارد که به نوعی از خاستگاه اردوی در وضعیت نشیب قرار گرفته سرمایه داری در برابر اعتراض کارگران به رنج و ستم دیدگی بر میخیزد، به تمامی خود میتواند دلیل محکم و قانع کننده ای باشد برای اینکه طبقه کارگر از حاشیه کار شبانه روزی و جنگ اعصاب، در رفاه نبودن و فقر، متلاشی شدن کانون خانواده و در خطر انجام جرم قرار گرفتن، تبدیل به نیرویی برای سرنگونی طلبی و به دست گرفتن جریانی چون یک انقلاب تمام عیار و انسانی و به دست گرفتن قدرت سیاسی در برابر اردوی سرمایه باشد. کارگری که هر روز در اجبار کار سنگین و مشقت بار، حتا به امنیت و رفاه نسبی خود و خانواده اش نمی تواند اطمینانی داشته باشد، از پس خرج و مخارج اولیه زندگی خود نمی تواند بر بیاید، نیرویی نیست که بتوان خاموش فرضش کرد.

وقتی جامعه ای بر مبنای نظام طبقاتی، بر مبنای کنترل اجتماعی، بر مبنای تفتیش عقاید و غلبه دستور و آپارتاید بر آزادی فردی و اجتماعی طراحی شده باشد، وقتی فضای فرهنگی یک جامعه نه بر خواست انسان ها و شهروندان که بر خواست و اراده حکومت بورژوازی و اعمال قدرت بیمارگونه و خشن و رعب آور باشد، قبول شرایط و تحمل وضعیت روز به روز برای مردم

## روز کارگر، روز من، روز ما! زنده باد اول مه

فخری جواهری



صدای یک زن تعجب کردند اما من پشت سر هم تکرار کردم و بقیه هم تکرار میکردند. همچنین شعار اعتصاب و تحصن حق مسلم ماست!

کم کم به میدان مخبرالدوله نزدیک شدیم. حال جمعیت کارگران بهم فشرده تر شده بودند. من شعار نان مسکن و آزادی را فریاد زدم. اول تعدادی تکرار کردند. لحظاتی نگذشت که همه جمعیت یکصدا و بی وقفه فریاد میزدند نان مسکن آزادی! مردی که بنظر میرسید مسئول نظم و ترتیب راهپیمایی بود فریاد زد تکرار نکنید، تکرار نکنید، این شعار کمونیستی ست! و با عصبانیت به طرف من آمد و دوباره فریاد زد تکرار نکنید. من رو به جمعیت گفتم دوستان کارگر مگر ما آزادی نمیخواهیم؟ مگر ما گرسنه نیستیم و نان نمی خواهیم؟ مگر ما مسکنی بعنوان سقف بالای سرمان احتیاج نداریم؟ پس این شعار مال همه ماست. پس از آن جمعیت به طرف سرویسهای کارخانه روان شدند. با یاد آوری این خاطره خواستم بگویم که کارگران پیشرو و آگاه باید برای ایجاد تشکل های واقعی کارگران تلاش کنند و خواستهای رادیکال و کمونیستی را با استفاده از این تشکل ها در میان کارگران جا بیندازند.

من روز کارگر را روز خودم و طبقه ام میدانم و به آن افتخار میکنم. به عنوان کسی که در کودکی و نوجوانیم کودک کار بودم، در سالهای جوانیم کارگر کارخانه بودم، و هم اکنون هم جزیی از جنبش کمونیسم کارگری و عضو

با نزدیک شدن به روز کارگر به یاد یکی از مراسم اول ماه مه در تهران افتادم. در روز ۱۱ اردیبهشت مراسمی در میدان بهارستان تهران برپا شده بود. خانه کارگر و انجمن های اسلامی کارخانجات و عمال سرسپرده جمهوری اسلامی کارگران را با سرویس های کارخانه به این میدان آورده بودند. من و رفیق احمد بابایی تصمیم گرفتیم به میان تجمع کارگران برویم و افشاگری کنیم. آقای محبوب هم که از سردمداران خانه کارگر و در آتموقع کاندیدای به اصطلاح "نماینده کارگران" در مجلس اسلامی بود از سخنرانان بود. ما به میان کارگران رفتیم. آنان در مورد وضعیت کار و کارخانه خودشان تبادل نظر میکردند و ما هم در بحث های آنان شرکت میکردیم. از اینکه حق اعتصاب و تحصن را باید در دستور کار خود قرار دهیم و با تشکل خود کارخانه داران را به عقب نشینی وادار کنیم را همه اذعان داشتیم. کارگری در این میان میگفت: ما کارگران قراردادی هستیم با کوچکترین اعتراضی ما را از کارخانه اخراج میکنند. من گفتم اما اگر تشکل واقعی کارگری داشته باشیم نه میتوانند به این آسانی شماها را اخراج کنند و نه میتوانند از کارگران قراردادی برای ساکت و مطیع کردن کارگران استخدامی استفاده کنند. همه جا درد زخمهای تکه پاره کردن طبقه کارگر خود را حس میشود. سیاستهایی که هدفش ضعیف کردن و نابود کردن اعتراض قوی کارگری است.

پس از ساعتی مراسم به پایان رسید. بخشی از کارگران که تعدادشان هم خیلی زیاد بود تصمیم گرفتند از بهارستان تا چهار راه مخبرالدوله که محل استقرار سرویسها بود راهپیمایی کنند. من تنها زنی بودم که در میان آنان بودم. البته یکی و دو خانم دیگر هم کنار تظاهرات کنندگان میآمدند. بعضی از سردمداران کارخانه شعارهای مذهبی منتها به اصطلاح اعتراض گونه میدادند. پس از مدت کوتاهی جوانی شعار "مرگ بر سرمایه دار" سر داد. پس از چند بار تکرار ساکت شد. من فریاد زدم: مرگ بر سرمایه دار! اول کارگران از شنیدن

هر روزه میبینیم و میشنویم که دولتهای سرمایه و سرمایه داران عیدی و حق سنوات و دیگر عایدیهای کارگران را میدزدند و در جیبهای گشاد خود میریزند. میبینیم و میشنویم که کارگران به بهانه سود ندادن کارخانه، به بهانه بحران اقتصادی دسته دسته اخراج می شوند. همچنین کارگرانی که بخاطر استفاده از دستگاہهای قدیمی و فرسوده و همچنین بدی شرایط ایمنی محیط کار دچار نقص عضو میشوند و بجای اینکه مورد پرستاری و مراقبت قرار گیرند در معرض خطر اخراج قرار میگیرند. دیده ایم که چگونه بعضی از کارگران در کارخانه ایران خودرو و دیگر کارخانه ها به خاطر فشار شدید کار جان خود را از دست داده اند. آری این دنیایست که نظام سرمایه داری و سرمایه داران زالو صفت برای ما کارگران و زحمتکشان و اکثریت مردم جامعه رقم زده اند.

رفقای کارگر کمونیست! کمونیست های کارگری! مردم ازادخواه و برابری طلب! بر هم زدن این معادلات ضد کارگری و ضد انسانی نظام های سرمایه داری کار و مبارزات و اعتراضات جامعه ایران قرار بگیریم میتوانیم به تمام این نابرابریها و بیعدالتیها پایان دهیم و با آزادی خود و با پایان دادن به استثمار و نابرابری و فقر جامعه را آزاد کنیم. آنوقت است که میتوانیم بر ویرانه های نظام سرمایه داری دنیایی آزاد و برابر و مرفه برای همگان، یک جامعه سوسیالیستی را بنا نهیم.

اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت، روز اتحاد و تلاش کارگران برای ایجاد یک دنیای آزاد و برابر و مرفه در راه است. کارگران پیشرو در نقاط مختلف دنیا در این روز اتحاد و همبستگی خود را برای برچیده شدن نظام سرمایه داری اعلام میکنند. طبقه کارگر در کشورهای مختلف در شرایط متفاوت زیر فشار و ستم و استثمار سرمایه داران قرار دارد و همچنین اعتراضات طبقه ما شیوه ها و شکل های متفاوتی به خود گرفته است. اما هم تجارب واقعی و هم اوضاع بار دیگر خاطر نشان میکند که کارگر بدون کمونیسم و کمونیسم بدون کارگر بجائی نمیرسد. جنبش کمونیستی کارگری تنها افقی است که میتواند اعتراضات برحق ما کارگران علیه سرمایه داری را به پیروزی برساند. ما باید علیه تمامیت این نظام بمیدان آیم و برای ساختن جامعه سوسیالیستی دورخیز کنیم.

در ایران ما هر روز شاهد اعتراضات کارگری بوده ایم و هستیم. شاهد اعتراضات کارگرانی که کمرشان زیر بار فقر و گرانی خم شده است. کارگرانی که از صبح تا غروب عرق میریزند اما همان حقوق ناچیز و بخور و نمیرشان را هم دریافت نمی کنند و قادر به پرداخت هزینه مخارج مختلف و کرایه خانه و تحصیل فرزندان شان نیستند. اعتراضشان برای نقد کردن حقوق های معوقه و یا خواست افزایش دستمزد با سرکوب مواجه میشود. همین چند روز پیش شاهد اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران کارخانه های پتروشیمی ماهشهر و اعتراضات و اجتماعات کارگری عسلیویه در رابطه با قراردادهای دستمزدهای معوقه و افزایش دستمزد بودیم.



## کانون دوستداران فرهنگ ایران

مناظره

"جدال بر سر آینده ایران: دموکراسی یا سوسیالیسم"

دکتر علی جوادی



دکتر مهرداد مشایخی



زمان:  
شنبه ۱۶ آوریل  
ساعت: سه تا شش بعد از ظهر  
محل برگزاری:  
دبیرستان جیمز مدیسون - سالن وارهاک هال  
شماره ۵

2500 James Madison Drive  
Vienna, VA 22181-5599

In WARHAWK Hall 5, use entrance  
12

## روز کارگر، روز من، روز ما...

حزب اتحاد کمونیسم کارگری میباشم، به همراه هم طبقه ای هایم در روز اول ماه مه به خیابان ها خواهم رفت. فریاد خواهم زد: فعالین کارگری زندانی باید بدون قید و شرط آزاد شوند! فریاد خواهم زد: برپایی مجامع عمومی و شوراها سرخ کارگری حق مسلم ماست! فریاد خواهم زد: کارگران علیه نظام فاسد و سرکوبگر سرمایه داری و برای ایجاد دنیایی بدون فقر و گرسنگی، دنیایی فارغ از مصائب سرمایه داری بمیدان بیایید.

رفقای کارگر برای پیروزی و ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی باید علیه این اوضاع انقلاب کنیم. انقلابی زیر و رو کننده، انقلاب کارگری! به حزب این انقلاب، حزب اتحاد کمونیسم کارگری، یعنی حزب خودتان بپیوندید. \*

### گفت و شنود با رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری

حزب اتحاد کمونیسم کارگری شما را به شرکت در جلسات گفت و شنود با رهبری حزب دعوت میکند.



کلن، آلمان: شنبه ۲۳ آوریل ساعت ۵ بعدازظهر

نسرین رمضانعلی و آذر ماجدی

**Alte Feuerwache Köln**  
**Melchiorstr. 3**  
**50670 köln**  
**Germany**

نسرین رمضانعلی



آذر ماجدی



### جلسه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در هلند

روز جمعه 15 آوریل منتظر حضورتان هستیم.

زمان از 13:30 تا 16:30  
مکان: Amsterdam 1013ZD  
Buurtcentrum de Horizon 50 -  
Zaandammerplein

برای استفاده از اتوبوس شهری آمستردام - از سنترال استیشن میتوانید از اتوبوس زیر استفاده کنید:

Stadsbus 48  
richting Station Sloterdijk ؛  
Westerdok ایستگاه

بهتر است آدرس را به راننده نشان دهید تا در ایستگاه مناسب پیاده شوید. از ایستگاه تا پاتوق 3 دقیق پیاده روی دارد. کسانی که با ماشین خود میایند میتوانند از کد پستی 1013 ZD استفاده نمایند و پلاک 50 را وارد کنند. برای هماهنگی با تلفن: 0685322174 جمال ارژنگ تماس حاصل نمایند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد هلند

## نه به اعدام!

"آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش درباره جلاک سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

کارل مارکس

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!